

ACCIDENTS

Century City - Sherman Oaks - Santa Ana

1(888)97-97- 97-9

50 Cent

از انتشارات ایران چاپ

Tel: (818) 783-0000 www.asreemrooz.com

MERCEDES BENZ OF ENCINO

MERCEDES BENZ OF ENCINO

بامدیریت جدید
همچنان عرضه کننده
بهترین سرویس و خدمات
بعد از فروش به مشتریان
ایرانی می باشد

(818) 788-0234

10721 Ventura Blvd Encino

اجتماع خشمگین معلمان در مقابل مجلس اسلامی

ماموران متعدد رژیم با دوربین های مخصوص از همه قسمت های اجتماع معلمان فیلمبرداری تجسسی می کردند در صورت عدم نتیجه گیری معلمان از خواسته هایشان روز شنبه ۱۲ اسفند در جلوی مجلس اجتماع خواهند کرد

از چهارشنبه تا شنبه با پیانوی دنوازیژن قادری
دلیوری تاشعاع سه مایل مجانی

www.JavanRestaurant.com

منابع روسی
می گویند،
جنگ تا
چند دقیقه
دیگر...!؟

از نوامبر سال گذشته در
مرکز فرماندهی آمریکا تمام
هدف ها تعیین شده بود

نگاه جنسی، به دختران
جوان آسیب می زند

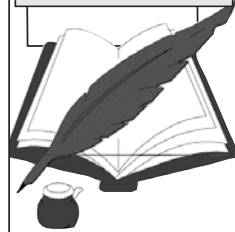
در صفحه ۵

مناسبتترین نرخ های بیمه :
سلامتی - دندان - عمر - اتومبیل -
تجاری - منزل و زلزله و نیز بیمه
افراد ۶۵ سال به بالا

(۳۱۰) ۶۰۰ - ۱۴۴۴
(۸۱۸) ۷۴۱ - ۸۱۸۳

ثریا
رسمی
نماینده
بیمه

حرفهای روز



از: عباس پهلوان

تلفن مستقیم سردبیر ۲۸۴۹-۷۸۳ (۸۱۸)

محمد عاصمی - مونیخ

ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان چهاران!

نه محمد بودی و نه اسلامت اسلام محمد نه حسین بودی و نه راهت، راه حسین نه امام بودی و نه کتابت، نهج البلاغه علی

جرثومه ی حقد و حسد و کینه

با سنگی به جای دل در سینه

مغزت، کارگاه حجاران

چمبت، لانه ی ماران

ای امام کذابان!

ای سلطان چهاران!

سرزمینی داشتیم

که با نیک و بدش بسته بودیم

اگر شاد و اگر خسته بودیم

گله ی دوست به یگانه نمی بردیم

حکایت ها، شکایتی بود

که در سروده‌ها مان می ریخت

و با آوازه‌ها مان می آمیخت

تو آمدی

با جبهی ی مارگیری جادویت

با وعده های پرفرب تو در توبت

فرانت، دام تزویر

خلخالای هایت مشاور و مشیر

سرودهایمان را شکستی

راه آوازه‌هایمان را بستی

و شکایت ها را در حکایتها

گسستی...

تو آمدی

ایران را ویران کردی

ملتی را آواره و سرگردان کردی

بهشت زهرا را،

دالان انتظار بهشت جاودان کردی

و شهادت را،

که خمیر مابه ی شرافت آدمی است

از جایگاه گرم و نرم خود،

مستخره ی این و آن کردی...

ش رنگ نامیدی را در کام ایرانیان

نشانیدی

ایرانی را به خاک و خون کشاندی

و کارنامه خلالت ننگین تو و اخلافت

آشفتگی، بی سر و سامانی.

ویرانی در ویرانی است...

ساخته ها را در هم ریختی

خشتی بر خشتی نگذاشتی

تخم فهر و کین گاشتی

افسانه و افسون آوردی

درد و جنون آوردی

اشک و خون آوردی

و ایران ما را به ذلتی نشانیدی

که احمدی ژاد،

جای مؤمنان الملک بنشیند

و رفستانجانی، امیرکبیر دوران باشد

و ایرانیان، اسیر در بند تیگری و

سیاهی

و مرگ، خندان و

بقیه در صفحه ۵



باران، مرا به جانی دور می برد. جانی که هیچ جا نیست. مثل همان جانی که باران از آنجا می آید! پرده اتاقم را که کنار می زنی، سبزی های تازه رسته، جوانه های تازه از خواب زمستانی برخاسته، مثل تن عریان زنی مست، و سوسه انگیز و غریب چشمانم را به تماشائی می کشاند که بی فراری را در من بیدار می سازد. چیزی مثل اضطراب.

در بارانی که می بارد، و سوسه بهار پنهان است. انکار که عشق می بارد! در رگ شکوفه ها می توانی جاری شدن زندگی را احساس کنی. هر قطره و چکه در این بهاری که می رسد از راه، صفائی و سحرى شب شکن دارد. شب بلند زمستان سرد، کوئی می گریزد، از وحشت تازنا به بهار که با دست باران بر اندام سبز باغ فرود می آید.

صورتم را به پنجره می چسبانم تا خنکی پنجره را حس کنم. یادگاری از روزگاران کودکی، به هنگام صبح های برفی، از پشت شیشه های بخار گرفته اتاق. اما قانع نمی شوم، از اتاق بیرون می روم، زیر باران، وسط چمن. در میان انبوه شکوفه های سپید و زرد. نه اشتباه نکرده ام، در این باران و سوسه طربناک بهار نرفته است. پرنده ای که می پرد، نیاز پرواز را در من برمی انگیزد. همان گونه که شکوفه ها نیاز بوئیدن را و بهار پنهان در هر دانه باران، و سوسه عشق را... به اطراف جوئی نگاه می کنم که غریبه گمشده ای در شهری غریبه به اطراف نگاه می کند. نه! اشتباه نکرده ام! خود را گم کرده ام. چیزی در من شکسته و یا چیزی در من روئیده است، نمی دانم. این گم کردگی را اما



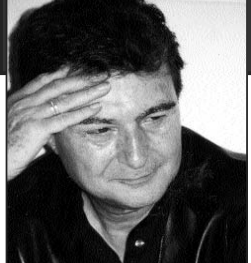
از: دکتر زریان

پای به میدان گذار، مرد و فداکار باش!

ای دل اگر عاشقی، عاشق آن یار باش در پی آزادی یار گرفتار باش یار تو ما وطن، مانده به دام بلا فکر رهائی کن و، عاقل و هشیار باش کشور ایران ما، همچو گلستان بود در دل خود عاشق، آن گل و گلزار باش مردم ایران ما، مانده به زیر ستم

درد شناسی اگر، لحنه ای غمخوار باش از ستم حاکم ظالم، همگی در به در بی خبر، از مردم آواره، خیر دار باش شیخ پلید، عامل شر در وطن ماست در پی رفع ستم، شیخ ستمکار باش گر که کنی صحبت آزادی خاک وطن پای به میدان گذار، مرد فداکار باش هر چه ز فرهنگ عرب هست، فراموش کن بیروز زتشت نکو گفت و نکو کار باش گر که به خلقت خداوند بهشت آفرید کشور ایران بود، بر کل آن خار باش بسیار خریدند به جان مهر وطن را مهر وطن گرچه، گران است خردبار باش

مکان باران، دروازه های تاریخ



دوست دارم. خود پر غمه ام، خود خود آزارم، خود عاشقم، خود اندوهگینم نیستم. آزاد، رها، بر فراز ابرها. صاحب بهار و چلچله و خورشید، ماندگار در هر لحظه هستی، پر طینین چون تیشه فرهاد!

در این گم کردگی لذتی هست، نشاطی هست مانند سرگشتگی و بی خبری عارفان. می خواهم دریابم که چرا این چنین خود گم کرده ام و سرگشته ام؟ کجایی؟ اصلا حضور دارم یا در غیابم که همان حس برقراری دوباره باز می گردد و لذت این چند لحظه سرگشتگی و خود گم کردگی را در خود فرو می پیچد. دوباره آن حس اضطراب مرا در خود فرو می برد. دلم شور می زند! به اتاقم باز می گردم. در آن صبح زود، نوار "فرهنگ شریف" را می گذارم. چه زخمه ای بر تار می زند و این صدای تار، چگونه در تار و پود



را می شناسی؟ ضمن پاسخ مثبت علت این سؤال را از او پرسیدم. گفت: از او مدرک و مطلبی دارم که ثابت می کند در خط مردم نیست و باید به عنوان وظیفه آن را منعکس کنی. گفتم وقتی به مدرک اطمینان داری و مطلب هم با امضاء چاپ می شود دیگر جای سؤال ندارد. او در پاسخ بلافاصله گفت: من نه

محمد سعید حبشی

تسلیت

با نهایت تائرو ناسف درگذشت مرحومه بانو احترام السادات هاشمی رادلوئی آنجلس به جناب تیمسار محسن هاشمی سرور و بزرگ خانواده مان و فرزندان داغدارش شهلا - شهپر - زاله - ویداد حسین و حسن هاشمی از مصمیم قلب تسلیت عرض نموده و بقای تمام خانواده را از خداوند متعال خواستاریم

بستگان و خانواده های مقیم ایران هوشنگ و پری گودرزی - شهناز و شهلا و گوهر گودرزی و خانواده های هاشمی - زارع منش و الهیاری و خانواده مهندسی خسروی

بسمه تعالی هوالباقی

بانهایت تائرو ناسف درگذشت همسر و مادر عزیزمان مرحومه بانو احترام السادات هاشمی رادلسی آنجلسی باطلاع میرساند. مجلسی ترحیم و بزرگداشت آن مرحومه در روز شنبه ۲۴ فوریه در محل هتل ماریوت شهرتورنسی در ساعت ۱۲ بعد از ظهر برگزار خواهد شد حضور سروران و دوستان گرامی در این مجلس باعث تسلی خاطر بازماندگان و شادی روح آن مرحومه خواهد شد

همسر داغدار تیمسار محسن هاشمی و فرزندان داغدار شهلا و دکتر احمد هاشمی - شهپر و داریوش خالدی زاله و دکتر ایرج نوری - ویداد پرویز وزین - حسین و دکتر ماندانا هاشمی - دکتر ابراهام هاشمی و خانواده های وابسته: هاشمی - وزین - خالدی - نوری - نبوی - نوری قمری - گودرزی - دکتر احسان مظفری

Marriott Hotel 3635 Fashion Way Torrance Ca, 90503 Tel: (310) 316-3636 Major Intersection Hawthorn & Torrance Blvd عصر امروز مصیبت وارده رایبه خانواده های عزادار تسلیت میگوید

طنز سیاسی حمیدرضا رحیمی لرزش بدن



یکی از همشهریان فدوی از کرمانشاه به جریده ی شریفی ی جمهوری اسلامی دست چپ مقام معظم رهبری مده ظل العالی ملتجی شده است که:

"قرصی به نام "لودوپاسی" که مورد نیاز بیماران مبتلا به لرزش بدن هستند، چند ماهی است در داخل کشور تولید نمی شود و از خارج هم وارد نمی شود. از مسئولین درخواست حل این مشکل را دارم..."

... والله برادر همشهری دروغ چو؟
تا اعدام آآ، آآ، فدوی پس از مبالغ هنگفتی کند و کاو و تقدیم چندین کیلو بول به عنوان کارمزد به مسئولین گوناگون، دریافت که برادران گرامی در فتاوی خود، این "لرزش بدن" را رقص "حرکات موزون" تلقی فرموده و امر به حرمت تولید یا ورود آن از خارج از کشور داده اند.

علیهذا واجب عینی است که به یکی از حضرات آیات، اعلی الله مقامهم اجمعین مراجعه و ثابت کنید که آن "لرزش بدن" از نوع فعل حرام رقص نبوده به ویژه آنکه به هنگام بروز لرزش بدن، موسیقی هم در کار نیست.

بیکاری پنهان!

نمی دانیم این جمهوری من درآوردی اسلامی چه سیغیه ایست



که جهانیان باید برایش دست و پا بشکنند.

مثلا احمدی نژادش می گوید که کشورهای جهان مشکلاتشان را یا ما در میان می گذارند و از ما کمک می خواهند! و خلاصه جهان دارد با شتاب به سمت احمدی نژاد شدن پیش می رود.

وزیر ارشادش همی گوید، در آینده ی نه چندان دور کشورمان تبدیل به صادر کننده ی مد و لباس اسلامی به کشورهای منطقه می شود و می افزاید در حال حاضر بسیاری از کشورهای منطقه خواهان استفاده از نوع پوشش اسلامی زنان ما هستند و در پایان افزودند بر روسری و مقنعه و چادر، منت هم بر سر زنان گرفتار ایران اسلامی می

گذارد که "این برای اولین بار در تاریخ کشورمان است که تمام فکر و ذکر نمایندگان و هیات دولت بر روی این موضوع متمرکز شده است که فکری برای نوع پوشش شهروندان کنند تا این پوشش نشان دهنده ی تشخص و اعتبار آنان باشد!"

تا به حال کشوری را سراغ دارید که نمایندگان و هیات دولتش تا این حد بیکار باشند و ضمنا لی لی به لالای همدیگر هم بگذارند؟

رقابت برای نوعی پرورش هسته ای

در اخبار این روزها به تیرتی برخورداریم بدین مضمون که برادر لاریجانی معرکه گیر ماجرای هسته ای ایران اسلامی گفته است که پیشنهادهای "برادری" رئیس آژانس انرژی اتمی باید "پرورش یابد". در این ارتباط، فدوی حدس می زند که برادر لاریجانی می خواهد با یک تیر دو نشان بزند زیرا اورانیوم (که خود به خود در کوره های حکومت اسلامی در حال غنی شدن است).

حُب پیشنهادهای برادری را هم ضمیمه می کند تا همینطور که اورانیوم دارد یواش یواش غنی می شود، پیشنهادهای برادری نیز پرورش یافته و غنی بشود.

از برخی گزارش های دیگر که خبرنگار پارلمانی ما فرستاده است نیز چنین مستفاد می شود که در همین ارتباط، رقابت های چشمگیری بین مسئولین دولتی در گرفته است. برای نمونه، وزیر کشاورزی در این میانه می کوشد که مصادره ی به مطلوب کرده و پیشنهاد برادری را در زمین های مزروعی تحت سلط خود پرورش دهد.

همین گزارش افزوده است که در این مورد بین وزیر کشاورزی و فرمانده نیروی دریایی نیز مینی بر اینکه پیشنهادهای برادری در زمین های مزروعی یا در دریا پرورش یابد، اختلافاتی بروز کرده است و از سوئی، وزیر آموزش و پرورش نیز سرآسیمه خود را به معرکه رسانده و گفته است واجب عینی است که پیشنهادهای برادری در وزارت آموزش و پرورش یابد، ادامه ی خیر

حاکمیت که برادر احمدی نژاد هم که دورخیز کرده بود تا بهترین مکان برای پرورش پیشنهادهای برادری را چاه جمکران اعلام کند، با تشریح مقام معظم رهبری مد ظله به گوشه ای خزید و حتی شاهدان عینی گفته اند که مقام معظم رهبری دامه عزه با خط کش ضرباتی محکم و متوالی بر کف دستان برادر احمدی نژاد نواخته و سرانجام در پاسخ به استفتاهای بسیج که بالاخره پیشنهاد برادری باید در کجا پرورش یابد، فرموده است، بسمه تعالی- در

سازمان پرورش دام و طیور.
سایر تحولات در این رابطه را، فدوی در مجالی دیگر به عرض می رساند.

آنفولانزا داریم تا آنفولانزا

به گزارش منابع داخلی، احتمال شیوع آنفولانزای مرغی در مازندران شدت گرفته است. خبرنگار پزشکی ما اما در ادامه ی گزارش اطمینان داده است که ملتی که از آنفولانزای آخوندی جان سالم بدر برد، از پس آنفولانزای مرغی نیز بر خواهد آمد.

سیلی درمانی!

پس از شلاق درمانی که توسط یکی از مقامات محترم حکومت اسلامی پیشنهاد شده بود چشم مان به سیلی درمانی نیز روشن شد. در خبرها خواندیم که آخوندهای



روستائی در هند، مردی را به اتهام تجاوز به عنف، با یک درجه تخفیف! به تحمل ۵۱ ضربه سیلی محکوم کردند.

"گل مالی" از خصوصیات محرم امسال!

برخی عکس ها را که دیدیم اولش از دست برادر احمدی نژاد عصبانی شدیم که چرا نرفته است به جای هسته بازی کوچک های خاکی جنوب شهر را آسفالت کند تا برادران در گل و شُل و با آن وضع فجع گل آلود دچار نشوند ولی با اندکی دقت دریا فیم که این دفعه استشنا تا تقصیر برادر احمدی نژاد نیست، عاشورای حسینی است.

بقیه در صفحه ۸

818-783-2849
حکایت تلخی هجران

● آنقدر از غم غربت، خاطرات ایران آن زمان ها و بدبختی مهاجران ننویسید. آن جریان را تمام شده حساب کنید و امید به مبارزه و رهایی بدهید.

++ به قول حضرت اجل سعدی: من بعد حکایت نکتم تلخی هجران/ کان میوه که از صبر برآید شکری بود!

● آیا شما خبر دارید که آمریکا داوطلبانی را برای جنگ با جمهوری اسلامی از ایرانیان استخدام می کند؟

++ حضرت والا، آدمیزاد سری که درد نمی کند که دستمال نمی بندد؟! میزگرد و حرف حسابی!

● به شهرام همایون مدیر تلویزیون شبکه یک پیشنهاد می کنم که هفته ای یک یا دو روز میزگرد با حضور افراد با عقاید متفاوت بگذارد و همه اش که نمی شود خودتان حرف بزنید؟

++ حالا چرا برای همه "لقمه" می گیری خودت یا یک ساعتی نطق بفرما ببینیم حرف حساب جنابعلی چیست؟

سیاست نکبت آفرینی

● سیاست عزت آفرینی احمدی نژاد به سیاست خفت آفرینی رژیم مبدل شده است.

++ پس هنوز به سیاست نکبت آفرینی رژیم توجه فرموده اید که حالتان بهم نخورد!

افزاده های رهبر و کاندیداهای مورد علاقه اش! بی بسی حضور برادر را حالی می کند گفتگوی انیس نقاش و رفسنجانی در یک برنامه تلویزیونی درباره شیعه و سنی

اروپا و به ویژه انگلیس و فرانسه هم نتوانستند خرابکاری های احمدی نژاد را راست و ریست کنند! حتی خامنه ای با فعال نمودن شورانی برای اداره سیاست خارجی و مأموریت دادن به علی لاریجانی و ولایتی و غیره نیز نتوانست کاری از پیش ببرد.

اینک گفته می شود که فرزند بزرگ آقای خامنه ای، آقا مصطفی مأموریت یافته است تا به همراه یک تیم روحانی و فکلی راه حلی برای عبور از احمدی نژاد بیابند! و یک بار دیگر در خانواده آقای خامنه ای دو برادر رو در روی هم بران آنها نیز عوام زده تر و مرتجع تر از سپاه و رهبران سپاه هستند!

سپاه پاسداران طی بیش از یک چهارم قرن توانسته است با دیدن آموزش های مدرن و سفرهای خارج از کشور با آشنائی با جهان، چند قدم از بسیج و بسیجیان جلوتر باشد! و علی خامنه ای که یک شبه از سپاه به بسیج بریده و رئیس جمهور سپاهی را بسیجی کرد، هرگز گمان نمی کرد که احمدی نژاد وی را در تله ای بیندازد که کل رژیمش با همه سازمان های اطلاعاتی و مطالعاتی استراتژیکش نتواند او را از منجلاب و خطر در بیاورد!

پیش از این بارها و بارها آقایان خمینی و خامنه ای علیه جهان آزاد و اسرائیل و غیره سخنرانی های تند ایراد کرده بودند، اما همواره رهبران سیاسی ایران در مجامع جهانی تبلیغ می کردند که سخنان رهبری با حضور رئیس جمهور و دولت مشروعیست عملی ندارد... اما آنگاه که احمدی نژاد به عنوان بالاترین عنصر اجرایی کشور خواهان نابودی کشوری شد که توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است، و قتل عام هولوکاست را زیر علامت

سئوال برد، کار نظام اسلامی از بیخ و بن خراب شد بگو نه ای که دیگر هم پیمانان ما ملاها چون روسیه، چین،

یکی از پایوران پیشین نظام سالها پیش این مسئله را افشا کرده بود که خانواده رفسنجانی انصار حزب الله را تأمین می کردند تا هر چه بیشتر به خانم فائزه حمله کنند! اما نکته ای که از چشم صاحب نظران به دور افتاد، حضور هاشمی رفسنجانی با انیس نقاش! تروریست معروف در یک برنامه تلویزیونی بود. شبکه الجزیره یک

بقیه در صفحه ۸

رفته بود نیز گفت: من کسی نیستم که از جیب رهبری خرج کنم و چشم بسته کار کنم!

همه اینها که در چند روز مبارزات انتخاباتی روی داد موجب شد تا مجتبی فرزند کوچک آقای خامنه ای با گزارشی مفصل نزد پدر رفته و قالیباف فرمانده سپاه را با احمدی نژاد فرمانده بسیج معاوضه کردند.

سپاه پاسداران طی بیش از یک چهارم قرن توانسته است با دیدن آموزش های مدرن و سفرهای خارج از کشور با آشنائی با جهان، چند قدم از بسیج و بسیجیان جلوتر باشد! و علی خامنه ای که یک شبه از سپاه به بسیج بریده و رئیس جمهور سپاهی را بسیجی کرد، هرگز گمان نمی کرد که احمدی نژاد وی را در تله ای بیندازد که کل رژیمش با همه سازمان های اطلاعاتی و مطالعاتی استراتژیکش نتواند او را از منجلاب و خطر در بیاورد!

پیش از این بارها و بارها آقایان خمینی و خامنه ای علیه جهان آزاد و اسرائیل و غیره سخنرانی های تند ایراد کرده بودند، اما همواره رهبران سیاسی ایران در مجامع جهانی تبلیغ می کردند که سخنان رهبری با حضور رئیس جمهور و دولت مشروعیست عملی ندارد... اما آنگاه که احمدی نژاد به عنوان بالاترین عنصر اجرایی کشور خواهان نابودی کشوری شد که توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است، و قتل عام هولوکاست را زیر علامت

سئوال برد، کار نظام اسلامی از بیخ و بن خراب شد بگو نه ای که دیگر هم پیمانان ما ملاها چون روسیه، چین،

یکی از پایوران پیشین نظام سالها پیش این مسئله را افشا کرده بود که خانواده رفسنجانی انصار حزب الله را تأمین می کردند تا هر چه بیشتر به خانم فائزه حمله کنند! اما نکته ای که از چشم صاحب نظران به دور افتاد، حضور هاشمی رفسنجانی با انیس نقاش! تروریست معروف در یک برنامه تلویزیونی بود. شبکه الجزیره یک

بقیه در صفحه ۸

گزارش از: سیایش اوستا- پاریس

سید علی خامنه ای- که در اندیشه تصاحب کامل قدرت اجرایی، قضائی و مقننه ایران بود!- در انتخابات ریاست جمهوری با گزینش شتابزده احمدی نژاد، عمامه اش پس معرکه افتاد. وی و سازمان امنیت موازیش تمامی تلاش خود را متمرکز کرده بودند تا با رئیس جمهوری "باقر قالیباف!" از نوجوانی از مریدان آقا بود، تمامی قدرت را در ایران از آن خود کنند... تمامی نیروهای سپاه پاسداران و دفاتر رهبری در سراسر کشور بسیج شده بودند تا "قالیباف" بچه مشهد به جای خاتمی بنشیند!

اما در این هیر و ویر برخی از نطق های انتخاباتی قالیباف موجب شد تا سید علی خامنه ای در تله افتاد و نظرش عوض شود!

قالیباف اعلام کرد که ایران به یک رضا خان حزب اللهی نیاز دارد!

وی گفت: مسئولیت ها و میدان فعالیت های رهبری و رئیس جمهور تفکیک شده است.

وی در پاسخ به خبرنگاری که از پاریس برای تهیه گزارش به تهران

● آنقدر از غم غربت، خاطرات ایران آن زمان ها و بدبختی مهاجران ننویسید. آن جریان را تمام شده حساب کنید و امید به مبارزه و رهایی بدهید.

++ به قول حضرت اجل سعدی: من بعد حکایت نکتم تلخی هجران/ کان میوه که از صبر برآید شکری بود!

● آیا شما خبر دارید که آمریکا داوطلبانی را برای جنگ با جمهوری اسلامی از ایرانیان استخدام می کند؟

++ حضرت والا، آدمیزاد سری که درد نمی کند که دستمال نمی بندد؟! میزگرد و حرف حسابی!

● به شهرام همایون مدیر تلویزیون شبکه یک پیشنهاد می کنم که هفته ای یک یا دو روز میزگرد با حضور افراد با عقاید متفاوت بگذارد و همه اش که نمی شود خودتان حرف بزنید؟

++ حالا چرا برای همه "لقمه" می گیری خودت یا یک ساعتی نطق بفرما ببینیم حرف حساب جنابعلی چیست؟

سیاست نکبت آفرینی

● سیاست عزت آفرینی احمدی نژاد به سیاست خفت آفرینی رژیم مبدل شده است.

++ پس هنوز به سیاست نکبت آفرینی رژیم توجه فرموده اید که حالتان بهم نخورد!

دکتر حسین اشراقی

استاد دانشگاه تهران و دانشگاه UCLA
دارای بورده تخصصی از آمریکا

پولیپ و سرطان روده بزرگ، زخم معده و اثنی عشر دردهای شکم، بواسیر، بیماریهای کبد و کیسه صفرا اندوسکوپیی معده و روده

کلینیک زنان و زایمان و نازاری به سرپرستی دکتر بهنام کاشانچی

B.Kashanchi, M.D., F.A.C.O.G
جراح و متخصص بیماری های زنان، زایمان و نازاری از آمریکا
پرفیسور بالینی دانشگاه U.S.C
دارای برد تخصصی زنان و زایمان آمریکا
۸۵۵۸-۰۵۵۰۵ (۳۲۰) بوری هیلز ۹۹۵۵-۳۹۹۵ (۸۱۸) اسپینو
WWW.OBGYN911.COM

مطب جدید خود را به اطلاع می رساند

5525 Etiwanda Ave Suit209 Tarzana, Ca 91365

بنفشه فریس آبادی

پلاسیبید!

روزهای حرام شده ام را و حیف حیف کنارش خوابیده ام را چال می کنم پنجشنبه ی پاییز در حباط پستی این باغ

کشیده اند که ناشناس مانده اند، شاید در ردیف دهم و یازدهم باشد و **گرنه در حکومت مفاسدی ها**، خدا بخواهد از این جور دزدها، خدا برکت بدهد به صدها میلیارد دلارهای نفتی و همان چند میلیارد دلار صادرات غیر نفتی- البته املاک و اموال مردم به جای خود محفوظ- که این طور طبقه روحانی و اخوند و روضه خوان را (که با پاکی و پاکیزگی و طهارت معروف و مشهور بودند) به طوری آلوده کرده که خودشان هم دو سه دفعه می روند طهارت بگیرند تا بوی گندشان لااقل مشام خودشان را نیازند.

البته تا بوده در این مملکت دزد بوده. تارضا شاهی نبود که پای قطاع الطریق ها، دزدهای سر گردنه ای نظیر **نایب حسین کاشی** را از جاده ها و میابان های اطراف شهرها قطع کند، مملکت پر از دزدهای مسلح و غیر مسلح بود. حالا خود خان ها و ارباب ها مردم را می چاپیدند، جای خود دارد. از یک طرف در شهرها بر اثر فقر پر از دزد بود که در اصطلاح به آنها می گفتند **"آفتابه دزد"** یعنی نزدیک ترین چیزی که در منازل بد دستشان می رسید. جالب این که مردم نیز از دزد انگار از **غول بیابانی** و حتی **"جن"** می ترسیدند.

انگار برای دزد شکل و شمایل دیگری غیر از آدمیزاده تصور می کردند. خدا بیامرز مادر را وقتی ما بچه ها بدقلقی می کردیم و خواهمان نمی برد تهدیدمان می کرد: **الاننه میکم سر سیاه دندون سفید بیاد همه تو بریره!**

در منازل آن وقت (لااقل حدود خودمان را می گویم) مردم زیاد ثروت- که چه عرض کنم- خرت و پرتی نداشتند که دزد ببرد در حالی که کوچه صد تومانی ها، یعنی بازاری های پولدار هم در محله امان داشتیم ولی وقتی می گفتند **"آفتابه دزد"** یعنی همان یک یا دو ریال- اگر **"آفتابه حلبی** نبود- پنج ریالی که گیرش می آمد تا بنده خدا یک روز شکمش را سیر کند.

بعدها که معمول شد دزدها را در روزنامه ها **عکس و آگهی** کنند، مردمزدهای چند هزار تومانی و کلهرباز های چند ده هزار تومانی را با عکس و تفصیلات شناختند. آن زمان حتی یک کلهربار در میان زنها معروف شد که چند صد هزار تومان پول خلق الله را بابت ساختمان سازی و یا خانه بالا کشیده که به **"حاجی ربابه"** معروف بود... و به مرور دزدها، تردست تر و زرنگ تر و دم کلفت تر شدند و حتی در ابواب جمعی رجال، تا رسیدند به **"آخوندهای فعلا موجود"** - که آدمیزاد وقتی عکس زدی را می بیند که مثلا کیف دستی زنها را قاپیده- از خود دزد خجالت می کشد که به چه حرفه شریفی لطمه زده اند- که

آخوندهای حاکم آن را به این همه اعتبار و عظمت رسانده اند با رقم های صد هزاری و میلیونی و حتی میلیاردری- به ریال و تومان و دلار؟! دزدانی که واقعا شایسته عنوان **"مهرت نسیم عیار"** دزد دزدان هستند که درباره اش گفته بودند:

دزدی که نسیم را به دزد، دزد است در کعبه گلیم را به دزد، دزد است در فاتحه خوانی سر قبر پدرش رحمان و رحیم را به دزد، دزد است (یا) دزدی که چنان که اگر نسیم بیاید برش! با مکر و فسون کله ریاید ز سرش!

علی ایحال زمان بچگی های ما دزد چیزی شبیه هیولا بود. یک سال عمید که پدرمان دو سه روز زودتر لباس عمید ما بچه ها را خریده بود (آن سال تازه تیتیم شده بودیم) راستی راستی نه ما که انگار همه محله عزا گرفته بودند. ما را بگو که شبش لباس ها را بالای سرمان گذاشته بودیم و خوابیدیم، بچه ها به ما گفتند خدا به شما خراب کرد که من متوجه شدید و گرنه دزد سرتان را می برد!

آن سال آخرهای تابستان بود و پدر هنوز روی تخت دم باغچه و کنار حوض می خوابید، که صدای: **آی دزد!** از منزل حاج عبدالباقی بلند شد که دیوار به دیوار خانه ما بود. اغلب روزهای تابستان ما بچه ها برای بازی از هره (دیوارک) کنار آن می پریدیم و آن روز بام، بازی می کردیم و یا تا ته کوچه روی پشت بام های همسایه می دویدیم!

زمانی هم که دیگر بازی و توی سر و کله هم زدن و گیس و دخترها را کشیدن، برای ما مزه نداشت، تابستانها منتظر بودیم که دم آفتاب غروب، که دختر همسایه کی برای پهن کردن رختخواب بالای پشت بام بیاید که پله ها را دو سه تا یکی کرده و خود را به پشت بام نیمه تاریک برسانیم که خنکای مطبوع اول شب بود و گل و گردن عرق کرده دختری که قلبش مثل کیبوتر می زد! آن شب وقتی صدای **آی دزد!** بلند شد، اهالی او دو سه کوچه حدود ما- که فریاد می کردیم در آن ساعت هفت پادشاه را هم خواب می بینند- یکهو ریختند توی کوچه ی پیچ واپیچ ما که به بن بست می خورد، تا سر کوچه و دو سه کوچه آن ورتر.

اول این سرور بود که در خانه ما را زد که ما مردم گفت: بچه ها خوابند! ولی آنقدر همهمه و صدا توی کوچه پیچیده بود که ما هم کورمال کورمال خودمان را به اهالی توی کوچه رساندیم که گله به گله جمع شده بودند. همه از دزد و دزدی ها می گفتند. حتی از دزدی هایی که از هفت پشت پدر و مادرشان شنیده بودند و ما بچه ها هم افتاده بودیم به دیدن. دیدن هایی که به هر بهانه ای برای ما هیچ وقت تمام شدنی نبود.

مادر به پدر که همچنان روی تخت نشسته بود و سیگار دود می کرد،

گفته بود: من توی خواب و بیداری بودم که صدای تاپی از روی پشت بوم خودمون شنیدم!

تازه یک هفته ای بود که ما از پشت بام آمده بودیم و توی اتاق می خوابیدیم.

پدر گفت: خیالات کردی! یعنی بی خیالش! و از توی رختخوابش تکان نخورد که او هم برود قاطی مردها و زنهایی که می خواستند دزد بگیرند! و خاطرات تعریف می کردند. او فقط رو تخت نشسته بود. انگار که سر شب است و بساط سینی را مادر برای او آماده کرده و تک و توکی رفقا آمده اند و گپی می زنند و دو سه استکانی بالا می اندازند و می روند.

یک دفعه از توی کوچه آمدم که از تلمبه دم حوض آب دماغش را با دو تا انگشت گرفت و ریز و تند خندید. حسن آژان باز پرسید: چی چی تو دزد بردی؟

نصرتالله خان گفت: حسن آقا جونت سلامت باشه. نشته ما رو دزدید و پاک خمارمون کرد!

همه خندیدند و کوچه یکهو خلوت شده بود. اما من تو اتاق خواب نمی برد. اقدسی ته کوچه ای، بدجوری زیر بغلم را نیشگون گرفته بود و زغ زغ می کرد و آنرا می مالیدم اما خوشم می آمد. بلند شدم و طرف تاقچه رفتم که کاسه آب بردارم.

هو داشت توی کخت روشنی می شد و پدرم هنوز رو تخت نشسته بود و سیگار می کشید. رفتم جلوی پنجره. بعد یکهو دیدم پدرم آرام بلند شد طرف هشتی رفت و یک لنگه در کوچه را نیمه باز کرد.

بیرون آمد و یک تشر دیگر به جمعیت زد که همه ماستها را کیسه کردند و چند تا چند تا طرف خانه هایشان رفتند. ولی هنوز عده ای توی کوچه مانده بودند. اما سر و صداها فروکش کرده بود و نصرتالله خان کارمند دخانیات با دو سه نفر دیگر هنوز با هم هره و کره داشتند. او یکهو رو کرد به حسن آژان گفت: بد مصب این دزده فقط مال ما رو برد!

حسن آژان برگشت و گفت: پس چرا چیزی نمیگی؟

نصرتالله خان آب دماغش را با دو تا انگشت گرفت و ریز و تند خندید. حسن آژان باز پرسید: چی چی تو دزد بردی؟

نصرتالله خان گفت: حسن آقا جونت سلامت باشه. نشته ما رو دزدید و پاک خمارمون کرد!

همه خندیدند و کوچه یکهو خلوت شده بود. اما من تو اتاق خواب نمی برد. اقدسی ته کوچه ای، بدجوری زیر بغلم را نیشگون گرفته بود و زغ زغ می کرد و آنرا می مالیدم اما خوشم می آمد. بلند شدم و طرف تاقچه رفتم که کاسه آب بردارم.

هو داشت توی کخت روشنی می شد و پدرم هنوز رو تخت نشسته بود و سیگار می کشید. رفتم جلوی پنجره. بعد یکهو دیدم پدرم آرام بلند شد طرف هشتی رفت و یک لنگه در کوچه را نیمه باز کرد.

آشتگی های روحی و فکری، به سراغ کامپیوتر می روم تا خود را سرگرم سازم. یا در واقع دریچه ای برای فرار از اتاقم و افکارم پیدا کنم. یک نازنین دوست داشتنی، از آنسوی آمریکا، یک "ای میل" برای من فرستاده و نوشته است: "این تو هستی!"

ای میل را باز می کنم. فیلمی است از زیباترین مناظر طبیعی. بر پهنه دریا، نوشته اند "این حرف ها را "مادر ترزا" (معروف ترین راهبه جهان که چند سال پیش درگذشت) هر روز تکرار می کرد. همه تصور می کردند، این دستورالعمل متعلق به مادر ترزا است. اما این نوشته "گت کی" است. هنگامی که در سال ۱۹۶۸ دانشجوی دانشگاه هاروارد بود.

می خوانم و به فکر فرو می روم و تلاش می کنم، ترجمه دست و پا شکسته ای از آن فراهم آورم. کنت کی، نوشته است و مادر ترزا هر روز این نوشته را تکرار می کرده که: مردم بعضی وقت ها، غیر منطقی می شوند و خودشان را نقطه پرگار دایره زندگی و محور همه قضایا می پندارند، آنها را فراموش کن و بگذر. اگر خود تو هم جزو این دسته از مردم هستی، تلاش کن نوع بهتری باشی، خوب باشی، نمونه باشی. اگر تو آدم موفقی هستی، طبیعی است که بیشتر از دوستانی که داری، دشمن هم داشته باشی، در هر حال تو به راه موفقی خود ادامه بده.

اگر تو آدم صادق و پاک و صافی هستی، ممکن است دیگران تو را فریب دهند، اما تو همچنان صادق و پاک و صاف باشی بمان. احتمال دارد همه آن چیزهایی که تو در طول سالیان دراز ساخته ای، یک نفر، یک شبه به هم بریزد، اصلا ناراحت نشو. دوباره بساز!

اگر خوشحال و راضی و موفق هستی ممکن است به تو حسادت کنند. تو در هر حال راضی و موفق باشی بمان و به حسادت ها اهمیت نده. تو امروز خوب باش. مردم گاهی فردا را فراموش می کنند، تو در هر حال خوب باشی بمان.

آنچه که از دست تو بر می آید، برای بهتر شدن جهان پیرامون خود ممکن است کافی نباشد، اما در هر حال همانقدر که میدهی، پس خواهی گرفت. هرگز از یاد نبر که هر چه میکنی، میان تو و خدای توست، نه میان تو و مردم اطرافت. حیرت زده باشی بمان. آن نازنین دوست داشتنی، از شرق آمریکا، چگونه آشتگی و سرگردانی داشت، باید می رفتم به سمت و سوئی که امروز یک نویسنده آمریکائی باش!

۲۹ سال که شوخی نیست. کودکی که هفت ساله به مدرسه می رود، بیست سال بعد یک متخصص، یک پزشک، یک استاد دانشگاه، یک کارشناس بیرون می آید. پس چرا نکردم؟! چرا وقتی سقوط آغاز شد، دگرگونی آغاز شد، حس نکردم و نفهمیدم که این درد زایش اجتماع تازه ای است که من با آن بیگانه خواهم بود. چرا نفهمیدم که هموطنانم، نابوت یک دوره از روزگار را روی دوش های میلیونی خود، به سوی گورستان می برند تا برای ابد دفن کنند!

دیگر صدای "تار" را نمی شنوم. دیگر باران را نمی بینم، سبزی های تازه رسته و شکوفه های نورسته را نمی بینم. غرق سرگشتگی ام و اندوه... در جانی هستم که هیچ جا نیست. معلق در میان فضا، سرگردان پشت دروازه های تاریخ، گمگشته در مکانی که همه لامکانی است.

نه این جائیه، نه آن جائی. پس کجائیم؟! اهل آنجا که دیگر نیست؟ اهل روزگاران به تاریخ پیوسته. اهل زمان های سپری شده؟ قلب جوان عاشقم فریاد می زند: جمله بی فراغت، ازظب قرار تست طالب بقرار شو، که تا فرار آیدت... از جا برمی خیزم، سیکاری آنش می زنب و برای سر و سامان دادن به

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان جماران!

نشسته بر اورنگ کدخدائی باشدد... شب را و شب پیرستان را بر ما حاکم کردی

نظمت در ظلمت، رنج در رنج، فریب در فریب، مام در مام

فریاد رانستی و مهر را در ظلمت اهریمنی غرقه ساختی که ساهلا و ساهلا باید بسوزیم و بسازیم تا دوباره بیابند و بسازند آنچه را که ساخته و پرداخته بودیم...! الله اکبر!...

چه کردی ای رهبر!... با کینه ی حیوانی و حمله ی شیطانی، که شیطان را انگشت به دهان کردی!... نمازت را اگر می خواندی، به سوی کدام قبله می خواندی!... و وضویت را اگر می گرفتی در آب کدامین چشمه می گرفتی!... که آمیزه ای از اشک و خون ملت ما نباشد!... شرم باد! شرممان باد!... که با اشکها مان، با خون دلهامان، فرش راحت شده بودیم... ای امام کذابان! ای دروغ بزرگ دوران! ای سلطان ج

جشنواره نوروز در جشنواره بهار

چهره های شاخص رسانه های گروهی ایرانی و آمریکایی نیز حضور خواهند داشت.

این جشن از ساعت ۳ بعدازظهر روز یکشنبه ۱۱ ماه مارچ آغاز و تا ساعت ۱۰ شب ادامه دارد و هنرمندانی چون گروه بلک کتز، صادق نوجوکی و گروه رقص جانباریان در آن برنامه هنرمندی خواهند کرد و سیمین طراح معروف ایرانی نیز شوی لباس خواهد داشت، اعضاء کمیته نوروزی انجمن عبارتند از:

دکتر نانا پیرنیا - نادیا نوریان - بهمن جلال - فریما فریاد - شیده سه رئیس - لیلی مهدی زاده - علی پیرنیا - هدا کرد - شیدا شیرازی - ادمون بابایو - سیمین هلالی - سوزی خاتمی - شهرزاد اردلان - ساناژ هلالی - نسرين يارمو و بیتا میلان که با یاری دهها نفر دیگر از اعضاء انجمن این خوان بزرگ نوروزی را خواهند چید و درآمد حاصله از این جشن بی سرپرست و یتیم اهدا خواهد شد تا صرف تحصیل آنان بشود.

راستای مهاجرت اجباریشان به این سرزمین که این اهداف طی سخنرانی ها، سمینارها، جشنها و خدمات دیگر تاکنون انجام پذیرفته و ادامه دارد که در این راستا ، چندین لوحه سپاس و تقدیر نامه از طرف مقامات کشوری و اجتماعی آمریکا دریافت کرده است. انجمن امسال نیز نوروز را برگزار می کند و در تالار مجلل هتل هیلتون بوری هیلز خوان نوروزی را خواهد گستراند که ضمن حضور صدها ایرانی و آمریکایی مقاماتی چون، شهردار بوری هیلز، تعدادی از اعضاء انجمن شهر، رئیس پلیس ، رئیس آتش نشانی، اولیاء مدارس و

انجمن موفق و فعال (APA) در تاریخ یکشنبه ۱۱ ماه مارچ ۲۰۰۷، خوان نوروزی را چونان همیشه خواهد گستراند و جشنواره نوروز را برگزار خواهد کرد. این انجمن ۱۶ سال پیش به همت دکتر نانا پیرنیا تاسیس شد با این اهداف:

- ۱- شناساندن فرهنگ ایرانی به جامعه آمریکایی
- ۲- شناساندن آداب و رسوم، طریق معاشرت ، اعیاد، سنن وهنر ایران به جامعه میزبان.
- ۳- آشنا کردن اولیاء مدارس آمریکایی با دانش آموزان ایرانی، به خصوص آشنا کردن آنها با دگرگونی روحیه، احساسات و عواطفشان در

شب اسکار لباس و کراواتهای «ا میر» برن ستارگان هالیوودی

یکشنبه شب ، شب بزرگ هالیوود و شب پخش جوایز اسکار است. هر ساله در این مراسم طراحان لباسهای زنان هالیوودی مورد بحث و گفتگوی هنرمندان بزرگ هالیوود ، رادیو و تلویزیون های آمریکا و جهان هستند.

این بار در این مراسم لباس مردان بزرگ هالیوود هم بسیار مورد توجه است. به همین جهت کانال سراسری تلویزیون K.T.L.A. کانال ۵ برای طرح لباس مردان هالیوود به معروف ترین طراح بین المللی امیر رجوع کرد .

امیر این طراح معروف و مشهور بین المللی که لباس و بخصوص کراوات های زیبایی او زینت بخش قامت بزرگان جهان ، پادشاهان رؤسای جمهوری و هنرپیشگان مشهور هالیوود است، طی یک برنامه تلویزیونی سراسری که در آمریکا و کانادا پخش میشد به طور زنده با گوینده مشهور این تلویزیون SAM RUBIN از Show room امیر در هتل بوری هیلز به گفتگو نشست و او درباره چگونگی لباس پوشیدن مردان در شب اسکار سخنان جالبی را بیان داشت که بسیار مورد توجه و تقدیر بینندگان این برنامه تلویزیونی قرار گرفت قرار گرفت.

گفتنی است که SAM RUBIN مجری این برنامه زنده تلویزیونی از امیر به عنوان بهترین طراح جهان مردان یادکرد و با عنوان کردن سوابق وی در کار مد و طراحی لباس توجه بینندگان برنامه خود را به لباس مردان هالیوودی در شب اسکار و طرح های امیر جلب کرد که مانیزمترصدیم تایکشنبه شب همراه با برنامه ویژه پخش جوایز اسکار طرح های امیر این ایرانی مورد توجه همگان رانیز بر قامت ستارگان هالیوودی ببینیم .

نگاه جنسی، به دختران جوان آسیب می زند

بنابر گزارشی در ایالات متحده، تصویری که رسانه های این کشور از دختران جوان به عنوان وسیله ای برای شهوترانی ترسیم می کنند باعث آسیب روحی و جسمی آنها و حتی دختران خردسال شده است. این گزارش که توسط انجمن روانشناسی آمریکا، Association American Psychological تهیه شده، هشدار داده که نگاه رسانه های سراسری این کشور به دختران جوان (نشان دادن آنها در حد یک وسیله شهوترانی) تاثیر منفی بر سلامت روانی آنها می گذارد و باعث بروز عارضه های روانی

همچون اختلال در خوردن، کاهش عزت نفس و افسردگی می شود. در همین حال، بنابر یک نظرسنجی که توسط بی بی سی انجام شده، بیش از نیمی از دختران و زنان جوان بریتانیا می گویند که به قدر کافی لاغر نیستند و برای بهتر شدن ظاهرشان حاضرند زیر تیغ جراحی پلاستیک بروند. هشت درصد از ۲۵ هزار دختر و پسر ۱۷ تا ۳۴ ساله ای که مورد سوال بی بی سی قرار گرفتند نیز اذعان کردند که برای کم کردن وزن خود از روش برگرداندن غذا استفاده کرده اند.

آیا زرد ستون فقرات و آرتروز رنج می برید

شیلا

مادر C.T. بارائنه مدرن ترین وسایل ورزشی و Pilates، ماساژ، آب درمانی دراستخر آب گرم ، استفاده از سونای خشک و مرطوب و جکوزی با فیزیوتراپیست همزمان ، پارکینگ رایگان شما را در بهبودی و بهزیستی یاری می کنیم

مشاوره اولیه رایگان می باشد پذیرش بیمه های درمانی و مدیکر

۶۴۲۲-۹۹۹(۸۱۸)

دیگر نیازی به خرید کارتهای تلفنی نیست

تهران و بقیه شهرهای ایران

هر دقیقه ۱۲.۹ سنت

از تلفن منزل، موبایل و یامحل کار

بدون هیچ گونه حق اشتراك و یا هزینه جانبی

USA Only 3.9 Cent a Minute

انگلستان	۴.۵ سنت
آلمان	۴.۵ سنت
فرانسه	۴.۵ سنت
اسرائیل	۳.۹ سنت
۱۵۵۴	۴.۵ سنت
استرالیا	۴.۵ سنت
سوئد	۴.۵ سنت
هند	۴.۵ سنت

امروز صحبت کنید و ماه آینده پرداخت نمایید

Norstar
Telecommunications, LLC.

1-888-755-8674

بخاطر استقبال فوق العاده باردیگر یکشنبه ۳ و یکشنبه ۴ مارچ

EXPERT AUTO BODY CENTER

بعد از تصادف نگران نباشید!

متخصصین برجسته ما اتومبیل شما را مثل روز اول تحویلتان خواهند داد

مزایای استثنایی مراجع به اتوبادی سنتر

در صورت داشتن بیمه کامل اتومبیل رایگان
در اختیارتان میگذاریم، اتومبیل شما مجانا
از محل تصادف به تعمیرگاه انتقال می یابد،
تخصیص مخصوص برای هموطنان عزیز

کارگاههای ما به اطاق رنگ با امکانات ویژه فنی و
دستگاههای کامپیوتری برای شاسی کشی مجهز است

EXPERT AUTO BODY CENTRE
Tel: (818) 786 - 8400
Fax: (818) 786 - 5218
14326 Oxnard St. Van Nuys

مرکز خدمات گالکسی

امور مهاجرت، اقامت، سیتیزن شپ و پاسپورت سفید -
گذرنامه و شناسنامه ایرانی، واکلتنامه و وصیتنامه دعوتنامه
تصدیق اضاوا شهادتنامه
ترجمه رسمی و تأیید اسناد و مدارک

بمدیریت ایرج تنکابن

فکس: ۵۹۵۴-۷۸۴ (۸۱۸) تلفن: ۹۰۶-۰۰۹۹ (۸۱۸)
15928 Ventura Blvd, # 201-Encino, CA91436

Q Market

انواع غذاهای ایرانی خانگی، گوشت، مرغ موجود است

عرضه کننده تازه ترین مواد غذایی و خواروبار، گوشت،
مرغ و ماهی با قیمت های باورنکردنی و غیر قابل رقابت

“کیومارکت” در زیر یک سقف

هر آنچه نیاز دارید گرد آورده است

انواع غذاهای آماده طبخ موجود است
17261 Vanowen St. فوداستمپ و کردیت کارت پذیرفته میشود (818)345-4251

سفارشات شمارا

برای تهیه انواع شیرینیجات
جهت جشنها، عروسیها
و ... میپذیرد.

(818)996-5104 6900 Reseda Blvd
(818) 757-1248 18000 Ventura Blvd
(310)207-7120 12231 Santa Monica Blvd

فرارخی - فرقی اختلاف بین دو چیز - علامت مصنر جراحی
۶- منقار کوتاه - زمان نما - بهانه گیری و عیب گذاشتن بر
کسی یا چیزی ۷- شهر موسیقی - شهری در استان فارس -
گردن نهادن - واگذاشتن ۸- نوعی زیر انداز - از شهرهای
ایرانی - کانسف نخستین قاره آمریکا - تکرار این خوردنی
استان فارس - استانی در ایران ۹- ترمسی و بیماکی - سف داده
نشده - در غربت بسیار زنده ۱۰- دستگاہی ترموسیتی
ایرانی - کانسف نخستین قاره آمریکا - تکرار این خوردنی
کود کسانه است ۱۱- ششمر زلزله زده ارک - رونمن و
در خندان کردن - بشتیبان یا پناهگاه ۱۲- صفت بچه لوس
و از خود ارضی - پهلوان - اسب سیاه - خوردن ۱۳- نیک نژاد
بودن - شهری در استان آذربایجان شرقی - گستاخ و بیباک
۱۴- از پیامبران بزرگ - عنوانی دیگر برای صنوفخانه -
فروشنده کالای دست دوم ۱۵- مورخ مشهور و باستانی
بوتان - شهری در هندوستان و در دامنه هیمالیا که به
مناسبتی مشهور است

تلفظ:

۱- زیارتی برای مسلمانان آرزوست - منظورهای
حماسی از سرگذشت دختر ستم که به همسری گیو
در آمد ۲- خدای جنگ در اساطیر یونان - پیمانہ بازی
سده ۳- کشوری آفریقایی یا حکومت مشروطه سلطنتی و
هزار و چهارصد کیلومتر مربع مساحت - غلاف شمشیر -
موش خرما ۴- دکاوت و فهم و شعور - نوعی چاشنی غذا -
زمان مرگ - مهمترین بخش یک خبر که در ابتدای مطلب
روزنامه خبری نوشته می شود ۵- دوک و دریافت - عالم
آخرب - شادمانی گفتن ۶- برافروختن آتش - حرکت به
نیوه گرم ۷- آنکه به مصلحت بگریاند - حمل و نقل - شیر
فر ۸- خردی و آسودگی - دستور لازم الاجرا ۹- از او در
اصطلاح فیزیکی ۹- اسب چایبار - کالای اصلی و ساخت
کارخانه ساختمان نمایشی ۱۰- همنشین برهمن - رشته
کوهی در استان لیلان ۱۱- کنکاش و ریزنی - بسیار سخن
چین - تصدیق مانا ۱۲- شاعر می گوید «تقلیدشان بر
یاد داد» - دروغ و حسرت - آش - نخستین جنگ داخلی
مسلمانان ۱۳- تسمیر سرد - باد خنک - واسطه خرید و فروش
- امتیاز نفت را گرفت و به درباری انگلیس واگذار کرد
۱۴- خدای زین و برگ اسب - خیمه مردم صحرائشین
۱۵- نویسنده معاصر آمریکایی داستانهای «زن خطرناک»
و «گوتینگ» - جوی خون

عمودی:

۱- منظومه‌ای مثنوی از ملا یوسفی راچی کرمانی
در مناقب مولای متقیان علی (ع) - در آمد را می یلعد! ۲-
وای به روزی که در جانبیه باشد - مرگ و نیستی - کشوری
است عربی در شمال آفریقا ۳- قاعده و اسلوب - ایاتی در
شبه قاره - بار جز ۴- سابقاً می نوشتند تا از تعقیب در امان
باشند - دست افسار کفشان - باران اندک - از رنگ ها،

استخدام

به یک دستیار مسلط به زبان
انگلیسی جهت مطب پزشکی
دیورلی هیلز نیازمندیم
۶۶۴۵-۲۷۴ (۳۱۰)

تاریک

انگلیسی

به هموطنان عزیز
از طریق مکالمه زبان
انگلیسی تدریس میشود
۱۴۷۵-۵۵۲ (۸۱۸)

اجاره آپارتمان

با برق و گاز رایگان

آپارتمان های زیبا و لوکس در بهترین
منطقه هاتون یک خوابه با اجاق و
یخچال، پارکینگ دردار و استخرو
دستگاه های رختشویی مدرن

قیمت ماهیانه ۱۰۳۰ دلار
۹۹ دلار دپوزیت و نصف
کرایه ماه اول مجانی
۶۶۴ - ۶۳۱۰ (۳۱۰)

سوپر شایان

به واقع بازار تهران را
برای شما تداعی میکند

۵۵۹۷ - ۳۷۵ - ۳۱۰

استخدام

یک رستوران ایرانی در هیکاتو
احتیاج به یک آشپز تجربه داره

۲۶۸۲ - ۶۱۹ (۷۷۲)

اجاره

منزلی مستقل در وودلند هیلز،
سه اتاق خواب، دو حمام - استخر
و جکوزی به اجاره واگذار میشود

۵۰۴۲ - ۴۴۸ (۸۱۸)

استخدام

به چند نفر برای کارهای
مالی نیازمندیم
آموزش داده میشود

۰۲۰۶ - ۵۹۶ (۲۱۳)

استخدام

شرکت ساختمانی نیازمند به
رئیس کارگاه ساختمانی با تسلط
کامل به زبان انگلیسی و دارای
اجازه کار برای پروژه های خود
در لس آنجلس می باشد
افراد واجد شرایط لطفا مشخصات فردی
و سابقه کاری خود را فکس کنند

۹۳۸۴ - ۵۴۵ (۸۱۸)

اجاره

یک مطب دندان پزشکی در
منطقه ولی در استیون پاتنام
وسایل آماده شرکت
بازریک دیگری دارد

۸۳۲۷ - ۹۰۵ (۸۱۸)

استخدام

به افرادی که قادر باشند در شیفت
های مختلف یک پمپ بزرین واقع در
منطقه وودلند هیلز کار کنند، نیازمندیم

۶۱۱۷ - ۹۵۳ (۸۰۵)
۱۰۹۶ - ۸۸۷ (۸۱۸)

لطفاً بین ساعات ده صبح تا پنج بعد از ظهر تلفن شود

هاتون مارکت

اولین و بزرگترین فروشگاه ایرانی
در جنوب لس آنجلس

(310)373 4448
24202 Hawthorne Blvd,
Torrance, CA 90505

رستوران هاتم

میشن ویهو

(949)768 0122
24000 Alicia Parkway, #28
Mission Viejo, CA 92691

آرتریا مارکت

مرکز پیش گوشت حلال، مواد غذایی

2322 ARTESIA BLVD
Redondo Beach, CA 90278
(310) 376-0043

سوپر ارواین

949-552 - 8844
Heritage Square/ Behind Denny Rest
14120 Culver Dr. Suite
B.C.D Irvine CA 92714

اللهه

قاز

نویسنده: هادی ایلخانی

کدام خدا؟
استغفرالله، منظور تون چیه؟ مگه چند تا خدا داریم؟
خدایی که پدرم رو از م گرفت، یا اون که مادرم رو بیمار کرد، یا شاید هم اون
که به دریای وسیعش دستور داد خواهر بیست و پنج ساله ام رو بیلعه.
به چشمانی که غم و درد در آن موج می زد خیره شدم. در حالی که از پله ها
پایین می رفتم، گفتم: متأسفم مهندس، نمی دونستم که این خونه از پای
بست ویره.

نگاهی به من کرد و دوباره به راهش ادامه داد. به اتاقم آمدم و شروع به
نوشتن اتفاقات آن روز کردم و بعد خوابیدم.

... ساعت چهار و نیم بیدار شدم. نیم ساعت سه ربعی خودم را با دیدن
وسایل اتاق و کتوشا و تلویزیون سرگرم کردم و ساعت پنج به اتاق خانم
متین رفتم، روی میبل نشسته بود و کتاب می خواند.
سلام مادر جون، عصر تون به خیر...
سرش را تکان داد و از جا حرکت کرد.
راحت باشین به کجا رسیدین؟ کنارش نشستم. به به! چه تند تند می
خوین ماشاءالله. خوب خوابیدین؟ خوب، حالا میباین بریم پایین؟ بلند
شید بریم دیگه. مادر جون خودتون رو تو این اتاق حبس نکنین.
مادر بلند شد، با هم پایین آمدیم و وارد سالن نشیمن شدیم. تریا برای
ما دو فنجان چای آورد. تلویزیون نگاه می کردیم که مهندس از پله ها پایین
آمد.
سلام! عصر به خیر...
به احترامش از جا بلند شدم و سلام کردم.
بفرمایین، خانم، راحت باشین.
از پشت به طرف مادرش خم شد، گونه اش را بوسید و گفت: مامان جان
چطوری؟
مادر جون نگاهی با تعجب به پسرش کرد. متین گفت: تعجب کردی مامان؟
یعنی ما بلد نیستیم مادر خوبمون رو ببوسیم. سر عقل اومدم دیگه... وقتی
شما افتخار دادین تشریف آوردین پایین، من هم شما رو می بوسم خاک
پاتون هم هستم. و روی میبل نشست و به من لبخند زد. چه خواب خوبی
کردم.

محبت کردن آرامش میاره، مهندس.
بله خانم، حق با شماست. خواب بهشت هم دیدم.
سلام آقا، عصر به خیر...
سلام تریا، ممنونم.
بفرمایین، جلوی مهندس خم شد تا او چای بردارد.
کسی برام زنگ نزد؟
نیم ساعت پیش الناز خانم تماس گرفتن، گفتم استراحت می کنین.
باشه، باهاشون تماس می گیرم.
**الناز خانم دیگه کیه؟ من آدم حسودی نیستم، ولی نمی دونم چرا به
دفعه به طوری شدم. پس حتماً بوسه ها رو برای عشقش الناز
نگهداشته و ذخیره می کنه. ای خوش به سعادتت الناز خانم!!**

تریا؟
بله!
به آقای نبی بگو به نقاش بیاره در بیرون رو رنگ کنه.
چه رنگی آقا؟
مشکی خوبه.
چشم.

ببخشین مهندس، چرا مشکی؟ بهتر نیست این خونه زیبا در و پنجره های
سفید داشته باشه؟
مشکی شیک تر نیست؟
چرا مشکی، رنگ شیکیه، اما سفید آرام تر و زیباتره. در ضمن به ساختمون
شما سفید بیشتر میاد.
در حالی که فنجان چای را از روی میز کنارش بر می داشت گفت: شما چه
رنگی دوست دارین خانم روان شناس؟
سفید و سبز شما چطور؟
من سیاه رو دوست دارم.
فکر نمی کنم مهندس.
فکر می کنین چه رنگی مورد علاقه منه؟
آبی از روشن تا سیرش که سرمه ای باشد.
فنجان را کنار لبش نگه داشت. تعجب کرده بود. ادامه داد: البته مشکی رو
هم دوست دارین، ولی آبی رنگ دلخواه شماست.
از کجا فهمیدین خانم راد منشا؟
از اتاقتون. شما روحیه آرومی دارین. از رنگ بندی اتاقتون لذت بردم، واقعاً
زیبایست.
خنده ای کرد و چایی اش را نوشید. تریا با ظرف کریستال پر از میوه وارد
شد.

تریا، به آقا نبی بگو نرده های بیرون و پنجره ها رو رنگ سفید بزنه.
می بخشین شما برنامه خودتون رو اجرا کنین. من فقط پیشنهاد دادم.
پیشنهاد به جایی بود، ما هم اجرا می کنیم. بد نیست تنوعی بشه.
مادر جون لبخند زد.
یک پرتقال پوست کندم و خوردم. مهندس پرسید: با خواهرتون صحبت
کردین؟
بله.

سریچی رژیم تهران از قطعنامه شورای امنیت تشدید تحریم و افزایش بحران در منطقه

هم اکنون نیز تحریم های فعلی جمهوری اسلامی را با دشواری هایی مواجه ساخته است

رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی با انتشار گزارش تازه ای از فعالیت اتمی ایران، رسماً سریچی حکومت این کشور از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را تأیید کرد.

مفاد این گزارش ابراز تأسف آمریکا را به همراه داشته و جانشین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا قطعنامه شورای امنیت را فرصتی خوانده که دولت و ملت ایران از دست دادند.

● بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد نیز ابراز تأسف عمیق کرد و از حکومت ایران خواست که برای یافتن راه حلی مسالمت آمیزی برای مناقشه اتمی خود با جامعه جهانی گفتگو کند.

● در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت که ماه دسامبر گذشته تصویب شد، به رژیم تهران ۲۱ فوریه مهلت داده شده بود غنی سازی اورانیوم را متوقف کند اما حکومت ایران با وجود پایان این مهلت، همچنان اصرار دارد که قطعنامه شورای امنیت غیرقانونی است.

● بنابر قطعنامه شورای امنیت، سریچی ایران از عمل به قطعنامه باعث تحریم صدور برخی کالاها به این کشور، مسدود شدن دارایی برخی شرکتها، مؤسسات و افراد ایرانی در خارج از این کشور و جلوگیری از سفر برخی مقامات و کارشناسان ایرانی به خارج از کشور می شود.

● سریچی جمهوری اسلامی از عمل به قطعنامه شورای امنیت به احتمال زیاد به تصویب قطعنامه سختگیرانه تری علیه این رژیم می انجامد و حتی پیش از آنکه آژانس

بین المللی انرژی اتمی حکومت ایران را رسماً تأیید کند، نیکلاس برنز، معاون وزیر خارجه آمریکا به بی بی سی گفته بود که ایالات متحده برای وادار کردن جمهوری اسلامی به اجرای مصوبه شورای امنیت خواستار تشدید تحریمهای بین المللی علیه این کشور خواهد شد.

● به گفته معاون وزیر خارجه آمریکا تحریمهای کنونی نیز بتدریج آثار خود را آشکار خواهد ساخت و از جمله، رژیم تهران را با دشواری هایی در اخذ اعتبارات تجاری از اروپا مواجه ساخته است.

● انتظار می رود شورای امنیت سازمان ملل در اوائل ماه مارس برای بررسی بحران هسته ای ایران تشکیل جلسه دهد.

● انتشار گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی مبنی بر سریچی حکومت ایران از قطعنامه شورای امنیت در حالی صورت گرفته که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا در پایتخت آلمان جلسه ای با همراهی مقامات ارشد چند کشور و دبیرکل سازمان ملل متحد داشته که به گفته وی، هدف از آن، وادار کردن ایران به بازگشت بر سر میز مذاکره برای حل بحران هسته ای این کشور بوده است.

● خانم رایس در این اجلاس با سرگئی لاوروف و فرانک والتر اشتاین مایر، وزیران خارجه روسیه و آلمان، خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد گفتگو کرد و پس از جلسه به خبرنگاران گفت در این جلسه تصمیم خاصی اتخاذ نشده است.

همسر یکی از معروفترین فعالان جنبش دانشجویی ریزه شد احمد باطنی با ریزه و ناپدید شدن همسرش، اقدام به اعتصاب غذای کامل کرد

خویشاوندان احمد باطنی، زندانی سیاسی ایرانی می گویند همسر باطنی ریزه شده ولی نهاد های امنیتی و انتظامی امکان بازداشت شدن او را رد می کنند.

● برادر سیمیه بینات، همسر احمد باطنی به بخش فارسی بی بی سی گفته از کاتالهای غیررسمی مطلع شده که خانم بینات در بازداشت نهاد های حکومتی است و احمد باطنی نیز پس از اطلاع از این رویداد، اعلام اعتصاب غذای کامل کرده است.

● سیمیه بینات، همسر احمد باطنی ندادن آپزشک است و در شهر گرگان در شمال ایران دوره خدمت موسوم به طرح را می گذراند.

● بنابر آنچه برادر او، میعاد بینات به بخش فارسی بی بی سی گفته، سیمیه بینات ساعت هشتم چهارشنبه شب (۲۱ فوریه) با دوستش قرار داشته و در فاصله پنجاه متری پیش از آنکه به محلی که دوستش در خودروی خود منتظر او بوده است برسد، خودروی پژوی بژ رنگی در کنار او متوقف می شود و دو نفر (که ظاهری شبیه به مأموران اطلاعاتی داشتند) از خودرو خارج شده، پس از آنکه چیزی به خانم بینات نشان می دهند او را سوار خودرو می کنند و با خود می برند.

● میعاد بینات می گوید خواهرش دقایقی پیش از آنکه سوار این خودرو شود، تلفنی به یکی از دوستانش گفته بود که از صبح احساس می کند افرادی او را تعقیب می کنند.

● او می افزاید که حدود ساعت یازده و نیم شب خانم بینات با پسر

منابع روسی می گویند، جنگ تا چند دقیقه دیگر...؟! از نوامبر سال گذشته در مرکز فرماندهی آمریکا تمام هدف ها تعیین شده بود

یک منبع خبری از وزارت امور خارجه یکی از کشورهای اتحادیه اروپا که نتواست نامش فاش شود به روزنامه نئویو ایزوستیتیا^۱ اطلاع داد که آمریکا به مرحله نهایی تدارک برای عملیات نظامی بر علیه ایران وارد شده و این خبر را از طریق کانال های محرمانه به متفقین اروپایی اعلام کرده است. وی همچنین از تاریخ احتمالی انجام عملیات اواخر مارس و اوائل آپریل نام برد.

● این که گفته می شود پنتاگون فهرست اهداف خود در خاک ایران را تنظیم کرده است به گفت این شخص قدیمی شده است. به گفته وی همه مراکز با مرکز فرماندهی آمریکا در فلوریدا در ماه نوامبر سال گذشته هماهنگ شده بود. این اهداف مدت هاست که زیر دست فرماندهان ناوگان های آمریکایی در خلیج فارس قرار دارند.

● پایگاه های نیروی هوایی و دریایی، مراکز دفاع ضد هوایی و مراکز فرماندهی نیروهای مسلح

تدارک قطعنامه دیگری علیه حکومت ایران در شورای امنیت

به نوشته روزنامه فرانسوی لوموند مهلت شصت روزه شورای امنیت سازمان ملل متحد به ایران در خصوص تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی اورانیوم روز چهارشنبه بیست و یکم فوریه به پایان رسید.

● این مهلت در حالی به پایان رسید که ایران هیچ تمایلی از خود بروز کمترین اعطاف نشان نداده است.

● مسئولان ایرانی با تأکید بر تمایل خود برای ادامه گفتگوها هرگونه تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی اورانیوم خودداری می کنند دیدار روز سه شنبه علی لاریجانی مذاکره کننده ارشد ایرانی و محمد البرادعی مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی هیچگونه پیشرفتی در زمینه حل و فصل بحران هسته ای نداشته است و در واقع لاریجانی به آمریکا که فشارهای خود را بر ایران به ویژه با استقرار نیروهای بیشتری در خلیج فارس افزایش داده

جزیره اختصاصی برای زنان ایران تمام امورات حمل و نقل و اماکن تفریحی و رفاهی توسط خود زنان در این جزیره انجام می شود و هیچ مردی حق ورود به این جزیره را ندارد خبر دو

به گزارش روزنامه تهران امروز، مهندس آقای، مدیرعامل سازمان همیاری های آذربایجان غربی در گفت و گو با خبرنگار ما گفت: جزیره آرزو از جزایر ۱۰۲ گانه دریاچه ارومیه است که از سوی این سازمان جهت استفاده اختصاصی بانوان تجهیز می شود.

● او می گوید: تمام امورات حمل و نقل و اماکن تفریحی و رفاهی توسط خود زنان در این جزیره انجام می شود و هیچ مردی در جزیره زنان نخواهد بود. آقای می گوید: این امر علاوه بر ایجاد و توسعه فضای گردشگری در داخل می تواند در جذب گردشگران خارجی نیز موثر باشد و در امر ایجاد اشتغال بانوان نقش بسزایی دارد.

● او با اشاره به اینکه هزینه تجهیز اولیه جزیره ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان بوده افزود: ایجاد سونیت های آبی، رستوران های کوچک و مراکز بهداشتی با مدیریت بانوان از دیگر ویژگی های این جزیره است.

اجتماع خشمگین معلمان در مقابل مجلسی اسلامی ماموران متعدد رژیم با دوربین های مخصوص از همه قسمت های اجتماع معلمان فیلمبرداری تجسسی می کردند

به گزارش سایت روز معلمان می گویند: ما نگرانیم از اینکه شورای نگهبان بندهای دیگری از لایحه خدمات کشوری را رد کند و بدین ترتیب حق و حقوق ما ضایع شود.

● این خواسته معلمینی بود که ظهر چهارشنبه برای دومین بار طی سه هفته اخیر در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

● این معلمان با تجمع مقابل مجلس قصد داشتند به رد لایحه شورای نگهبان اعتراض کنند. آنها در واقع تمام خیابان مجاهدین اسلام را در تصرف خود داشتند، هر چند عبور و مرور خودرو ها همچنان انجام می شد.

● ماموران لباس شخصی و لباس یشمی نیروی انتظامی نیز به تعداد زیادی مشاهده می شدند.

● مانند تجمع دو هفته قبل تعداد زیادی دوربین فیلمبرداری نیز از هر سو مشغول فیلمبرداری بود در حالی که معلمان حتی خواهان فیلمبرداری از مراسم برای خود نبودند.

● حتی پنجره های طبقات چهارم و پنجم مجلس نیز پذیرای افرادی بود که با دوربین های مخصوص خود مشغول فیلمبرداری بودند. برخی از معلمان دوربینی در عدهای دوربین های فیلمبرداری که در خیابان و نزدیک تجمع آنها موجود بود خیره می شدند و به فیلمبرداری می گفتند: بیا تصویر من را را هم بگیر شاید برای ارتقا، به درد بخورد.

● فرهنگیان حاضر در این تجمع پر تعداد که گفته می شد جمعیت آنها از مرز ۳ هزار نفر نیز گذشته، در عین حال نماینده بسیاری از تشکل های فرهنگیان بودند.

● در جریان این تجمع از سوی معلمان تریبون آزاد تشکیل شد و حدود بیست نفر از معلمان زن و مرد به ارائه مباحث خود که اغلب کوتاه و زمینه های میشستی، کرامت، انسانی، منزلت معلمی و سوء مدیریت در وزارت آموزش و پرورش را شامل می شد، پرداختند.

● چیزی که این تجمع را از تجمع دو هفته قبل متمایز می کرد حضور بسیار زیاد خانم های معلم بود که همراه با همکاران دیگر خود شعار می دادند و فریاد می زدند.

● آنها شعارهایی همچون " معلم دست فروش نتیجه تبعیض! "، " رئیس جمهور کشور وعده به فرهنگیان شعار بود شعار! "، " مجلسان هفتم مصوبه هماهنگ فریب بود، فریب بود! " حقوق ما ریا است، هزینه به دلار است! "، " معلمان کشور، زرمندان جنگند، انصاف نبود اینقدر از تبعیضات برنجد! "، " شورای نگهبان، عدالت عدالت! "، " مجلس، دولت، نگهبان، غافل از فرهنگیان! "، " معلم چند شغله نتیجه تبعیض! "، " نداشتن انگیزه، نتیجه تبعیض! " سر می دادند.

● بسیاری از معلمان در خصوص علت تجمع خود در مقابل مجلس و نه شورای نگهبان که این لایحه را رد کرده است اعلام کردند: اساسا گویا این طرح قرار بود از ابتدا رد شود و در نتیجه اعتراض ما در دو هفته قبل، دولت و مجلس این طرح را تصویب کردند و در عوض از شورای نگهبان خواستند آن را رد کند و بدین ترتیب توپ را به زمین شورای نگهبان انداختند.

در این تجمع همچنین معلمان حاضر اعلام کردند خواهان استعفا و یا برکناری، "معدت" معاون وزیر آموزش و پرورش هستند که به معلماتی که در تجمع ۱۵ بهمن

شکل گرفته که شبانه گذشته بسیاری از معلمان در راستای برنامه ای که در تجمع دو هفته قبل اعلام شده بود در مدارس حضور یافتند اما به کلاسهای درس نرفتند.

● تجمع معلمان در حالی صورت گرفت که هنوز شورای نگهبان در بررسی اش در خصوص لایحه نظام معلمان است نرسیده و تا بند ۵ مورد بررسی شورای نگهبان قرار گرفته تا کنون ۲۰ ایراد مشاهده شده است.

● تجمع فرهنگیان که تا حدود ساعت ۵ عصر ادامه داشت با صدور قطعنامه ای ۴ ماده ای خاتمه یافت.

سرمایه!

روزنامه آینده نو نوشت: راه سرمایه گذاری را برای مردم هموار کنید.

- مگر می خواهید کار آنباب کشی باز کنید؟!

جلیلیات!

رئیس قوه قضائیه گفت: بسیاری از قوانین قابل نفوذ و جعل است.

- پس چه اسراری دارید این جلیلیات را به اسم حکومت اسلامی حفظ کنید؟!

مرخص!

روزنامه اعتماد نوشت: تلاش برای پیوند اسلام و دموکراسی.

- اول باید آقایان پذیرند که دین از حکومت جداست و همین طور دین از سیاست!

پلمپ!

روزنامه اعتماد ملی نوشت: در اصفهان ۱۴۵ انوزاد خرید و فروش شدند.

- بد نیست که مدتی هم (شکم) جور گرسنگی زحمت آدم ها را بکش!

ندای غیبی!

همین روزها به فتوی آخوندها یعنی "مواضع" را پلمپ می کنند که قلب نشود!

افاده!

وزیر نیرو گفت: در صنعت سدسازی به خودکفایی کامل رسیده ایم!

- برای جمهوری اسلامی عقده شده بود که هفت سد بزرگ جهانی در نظام گذشته در ایران ساخته شده بود.

● ندای غیبی: حالا که به خودکفایی رسیدید از این سد خاکی بلابی (سیوند) در دره بلاغی خودداری فرمائید!

رد!

سید علی خامنه ای گفت: اقدامات انجام شده رضایت بخش نیست.

- شما که دست به مرض کردن گماشتگان خودتان که پر بدک نیست؟!



باشما به استقبال نوروزی رویم

انجمن پزشکان ایرانی I.M.S. که یک انجمن غیر انتفاعی است با کمال مسرت به اطلاع عموم اطباء می رساند که وزارت بهداشتی کالیفرنیا باز آموزی پزشکی و انجام کورسهای CME را توسط این انجمن به رسمیت شناخته است.

انجمن پزشکان ایرانی امسال هم در ۱۶ مارچ از ساعت ۷ صبح الی ۴.۵۰ بعد از ظهر بمدت ۶ ساعت کنفرانس و سمینار پزشکی در UCLA Faculty Center برقرار می کند و شب همان روز، نوروز را با شکوه تمام با هفت سین استثنائی و گل آرائی بسیار زیبا و گردهم آئی تمام دوستان جشن می گیرد.

علاقتمندان برای شرکت در جشن با می می تلفن: ۳۳۹۳-۹۰۱-۳۱۰ تماس بگیرند.

هیئت مدیره انجمن پزشکان ایرانی

استخدام

قابل توجه کسانی که در کار ریل استیت و وام تجربه دارند

ما بالاترین کمیسیون را به شما پیشنهاد می کنیم.

وام - ریل استیت - اسکورو همه در زیر یک سقف

- ☒ اگر از دادن حق عضویت به شرکتهای زنجیره ای ریل استیت خسته شده اید؟
- ☒ اگر از دادن پول زیادی به شرکتهای بیمه E&O خسته شده اید؟
- ☒ اگر از اینکه وام های درخواستی شما قبول نمی شود کلافه شده اید؟
- ☒ اگر از رفت و آمد به محضرهای مختلف احساس خستگی می کنید؟

با من جعفری مرگان تماس بگیرید تا در بازار را کد ریل استیت بالاترین کمیسیون را بسازید و پرداختهای کمتری داشته باشید

18850 Ventura Blvd. # 130 Office:(818) 343-4663 ex161
Tarzana, Ca, 91356 Cell : (818) 438-1412

کلیه امور تایپی، دفتر داری و حسابداری کامپیوتری تهیه و تنظیم اظهار نامه های مالیاتی با نازلترین قیمت با خانم شیرین تماس بگیرید

۱۸۴۴-۳۸۳-۸۱۸

خدمات حسابداری و مالیاتی رازی

۱-۲-۳

۱- مالیات خود را در دفتر ما فایل کنید

۲- منتظر تایید IRS بمانید

۳- بعد از تایید، همان روز و همان جا Tax Return خود را تحویل بگیرید اساس کار ما بهترین قیمت و سریعترین سرویس با بهره گیری از حسابداران پر سابقه و CPA می باشد

سرویس ما: خدمات حسابداری و مالیاتی، PAYROLL، حسابرسی، مشاوره مالی و مالیاتی، سیستمهای مدیریت و کاهش هزینه، ثبت شرکت، تغییرات و انحلال شرکت ها در کالیفرنیا و نوادا با همکاری وکلای کار آزموده

۰۳۴۶-۷۰۸-۸۱۸ ۱۰۴۰-۳۶۷-۸۶۶



سوپرویزن

آخرین کلام دردمدو زیبایی عینک های آفتابی و طبی به مدیریت حسین سیلانی

210 South Robertson Blvd Beverly Hills Ca 90211

Tel:(310) 623-4848

و داشتم همچنان ادامه می دادم که دو ضربه ی محکم از پشت بر سرم کوفته شد و دیگر چیزی نفهمیدم.

به هوش که آمدم خوشحال بودم، خوشحال که بالاخره توانسته بودم حرفم را به این "هم پرونده ای" ام زده، هم اعترافات کذبش را نفی و تکذیب نمایم و هم متوجهش سازم که اوضاع بر چه منوال است.

●●●

روی تخت سفری چرک و خونین بیمارستان "ماتمکده" یا اتاقی که شکنجه شده ها را زنده می کردند! و برای بازجویی و شکنجه شدن مجدد آماده می نمودند، افتاده بودم. دکتر و بقیه بالای سرم جمع بودند. افسر تجسس که تنگاتنگ بازجویی استاده بود و با حالتی معترضانه با او حرف می زد، به مجردی که دید چشم هایم را باز کردم به سویم حمله ور شد، یقه ام را با دو دست چسبید و در حالی که مثل پر کاه تکانم می داد با خشم و فریاد شروع کرد به فحاشی که چرا با آقای "کمالیان" حرف زده ام.

فحش هایم را که داد و شاخ و شانه هایم را که کشید، چنان محکم کوبید که دیوار که دوباره از حال رفتم.

عجب جانی داشتم، دوباره به هوش آمدم! همان جا روی تخت افتاده بودم. در اتاقک رو به بیابان باز و از آفتاب معلوم بود حدود دو-سه بعد از ظهر است.

دو سرباز بیرون با هم قدم می زدند. وضع تعریفی نداشت. سرم سنگین بود و روی گردنم ایستایی نداشت. دلم آشوب می شد و هی عقی می زد، پشت هم عقی می زد و ولی هیچ. نمی دانم چرا زبانم زخم بود، مثل این که به شدت آن را جویده بودم. سینه، پشت، پهلو و همه جایم درد می کرد. نفس که می کشیدم جانم در می آمد.

دقایقی بعد باز در حضور بازجوی بودم. تنها بود. مثل همیشه نخست شروع کرد به مقدمه چینی اما این بار حرف هایم با پیش گفتارهای قبلی فرق داشت. می گفتم:

- سئوال و جواب های بازجو دقیقا همانند تعدادی لوله است. لوله هایی گشاد و لوله هایی باریک. گشادها به مانند سئوال و باریک ها به مشابه پاسخ که می بایستی باریک ها یک به یک داخل گشادها قرار گیرد و کنار گذارده شود تا آخر، تا تمام شدن لوله ها. حال چنانچه پاسخ به یکی از سئوال ها درست و دلخواه نباشد، مثل این است که یکی از لوله های باریک با لوله ی گشاد مربوطه اش میزان نیست و داخل آن جای نمی گیرد و می بایستی آن را اصلاح نمود. بایستی آن را درست و میزان نمود. بنابراین برای چندمین بار به شما می گویم، هر چه این در و آن در بزنید و هر چه زرنگی به خرج بدهید فایده ندارد و تا تمام لوله های ما با هم جفت و جور نشود، دستگاه دست بردار نیست و رهائتان نمی کند.

شما تصور نمودید با این عمل امروزتان ما را مات کردید؟!... ابداء، ابداء این طور نیست. مطمئن باشید با این حرکات جز این که وضعیتان را خراب و دشوارتر کنید کاری از پیش نخواهید برد. باور نمی کنید?... باشد بفرمائید، بفرمائید باز هم امتحان کنید. به بازجویی ادامه می دهیم:

س- طبق مدارک و اسنادی که در اختیار می باشد شما ضمن اهانت به شاهنشاه صراحتا اظهار نموده اید که قصد جان ایشان را داشته اید. توضیح بدهید چه طرح و برنامه ای در این زمینه و چه اقداماتی صورت دادید؟

هرچه سعی کردم جوابش را بدهم و افزایش را رد کنم، وضع و حال و به خصوص زبان مجروحم یاری نکرد و او که مطمئن شد در آن شرایط تلاشش بیهوده است و کاری انجام نخواهد شد، دستور داد برم گردانند.

قصد این بود که برای به اصطلاح درمان، مجددا بپرندم به اتاقک در مانگاه ولی چون مشتری داغ و واجب تری داشتم، او را ترجیح دادم و مرا یکر است بردند به سلول.

بفرمائید شما هم لذتش را ببرید و یادتان نرود که انرژی هسته ای حق مسلم ماست!

ایرادگیری از اساتید!

بعضی خبیرها، ذووچین هستند یعنی، قسمتی از آن، به قول عوام حال می دهد و بخش دیگر آن، حال گیری می کند.

نمونه ها، به ویژه در ایران اسلامی فراوان است. از جمله به مطلع این خبیر، به نقل از یک دانشجوی اسلامی توجه کنید: "دانشگاه آزاد تهران مرکز (مجمع ولی عصر عج) برای گزینشی استاد هیچ معیار و ملاکی ندارد.

"حال گردید؟... لا بد شما هم مثل فدوی حواستان رفت پی اینکه دانشجوی پویای ما به صلاحیت علمی اساتید، که دیربست در جمهوری اسلامی به علت تعویض تخصص یا تعهدا، به سطح نازلی سقوط کرده است، اعتراض دارد و خواهان ارتقاء سطح دانش علمی آنان است.

برادر دانشجو اما، در فراز بعدی فرمایشات خود که قسمت دوم خبر (بخش حال گیری!) را می سازد،

شبیه سازی

در خبیرها خواندید که شورای کلیساها در آمریکا خواستار ممنوعیت جهانی شبیه سازی انسان شده است. فدوی حیرت می کند که چرا خارج پرستان، در بسیاری از موارد از ما عقب هستند. مثل همین مورد که نمی دانند که شبیه سازی انسان دیربست که در ایران خودمان صورت پذیرفته و آخوندها نمونه های آن هستند.

راز محکومیت من به اعدام چه بود!

نویسنه: هوشنگ پیمان

اما بنده هم که حیات و زندگی ام بستگی به همین حرف ها و همین اعترافات دروغین و همین مواجهه های سوری و ساختگی داشتم، در ذهن طرحی برای رویارویی با موضوع تنظیم نموده ظاهرا آماده ی اجرای دستور بازجو منتظر ماندم.

در حالی که رو به دیوار نشسته بودم، احساس کردم آقای کمالیان تند و مشتاقانه وارد شد و نشست و هنوز بحثی نشده یا چیزی از او پرسیده نشده، شروع به گفتن یا به قولی هنوز زنده شروع به رقصیدن نمود آن هم چه رقصیدنی!

علنا شروع کرد به تکرار همان دروغ ها و مزخرفاتی که بازجو از قول او گفته و پیرامون آن ها از من بازجویی کرده بود به اضافه ی مقداری بیشتر و عجیب و غریب تر. می گفتم من اسلحه روی پیشانی اش گذارده و مجبورش کرده ام آقای شهیدی را آماده و راضی نماید فرزند فلجش را جهت معالجه به شوروی بفرستد و نیز به همین گونه، از او خواسته ام اخبار و مسائل محرمانه ی اداره اش "وزارت انتشارات و رادیو" را برای بنده بیاورد تا بنده آن ها را در اختیار شوروی ها بگذارم و ...

قبلا که بازجو این جفنگیات را از قول او می گفتم باورم نمی شد و فکر می کردم دورغیابی می کند، دارد به اصطلاح نیرنگ بازجویانه به کار می برد تا مثلا اعترافی بگیرد. حالا که می دیدم خودش مثل بلبل دارد آن اکاذیب را ردیف می کند و می گوید حیرت برم داشت. حیرت کردم که آیا با آن مرد عاقل و بالغ و باتجربه چه کرده اند که راضی به این کار شده؟!... تازه تن و بدنش هم سالم و دست نخورده و کاملا قیراق و سرحال است. پس چه، واقعا با او چه کرده اند؟!... به علاوه چطور نمی فهمد و درک نمی کند این اظهارات نسنجیده و دروغ های خطرناک و دردسرساز در یک چنین جایی که کاه را کوه می کنند و به استناد آن، دودمان ها را بر باد می دهند چه عواقبی برای خودش، نخست برای خودش و سپس برای جماعتی به بار خواهد آورد؟!...

پس بر طبق برنامه ای که در ذهن تنظیم کرده و برخلاف تعهدی که به بازجو و افسر تجسس داده بودم، پیش از آن که فرصت از دست برود ناگهان از مقابل دیوار به سوی او چرخیدم و تند و شتابزده مخاطبش قرار داده گفتم: - فریب مخور. با دروغ خودت را به کشتن مده. نترس، راست بگو. همه حرف های ما طی چند سال روی نوار ضبط است.

های اطلاعاتی ایران، مرکز مطالعات استراتژیک و غیره... گفت کسانی که سیاسی و تشکیلاتی کار می کنند نسبت به علمای سنی که از روی احساس حرفی می زنند و عملی می کنند، بهتر مسائل سیاسی جهان را تحلیل و بررسی می کنند...

وی در دفاع از جمهوری اسلامی و سخنان هاشمی رفسنجانی گفت: زلمای خلیل زاد که از کابل و بیروت تا آمریکا اسلام شناسی را با پول و بورس آمریکا مرور کرده است، به عنوان یک متخصص در امور اسلامی به راحتی می تواند این ارکستر را فعال کند تا سنی های جهان را با آن موزیک در عراق و دیگر کشورهای اسلامی برقصاند!

این روزها بحث های ضد شیعه و سنی که مسلما به درگیری های ایران و تازیان و ریشه های تاریخی آن می رسد، به ویژه توسط بعضی های عراق و سوریه رشد کرده! ایرانی را عجم، ضد اسلامی، حشیشیون (باطنیان پیروان حسن صباح) قاتل خلفای راشدین، عوامل اختلاف افکن در اسلام و غیره می خوانند، تلویزیون الجزیره و الجزیره با بحث های خود به این مسئله دامن می زنند.

تاریخی را در شرایط کنونی عراق، چون جنگ امام علی با خانم عایشه همسر پیامبر اسلام را توطئه آمریکایی ها برای تبدیل کردن "مقاومت شریف" به "مقاومت شرفی (فرقه ای)" دانسته و ملاهای جاهل سنی را بازیچه این جنگ معرفی کرد.

انیس نقاش با اشاره به سازمان

پیامدهای حذف استقلال در وقایع فوتبال ایران

ماجرای استقلال و حذفش از جام قهرمانان باشگاه‌های آسیا تبعات و پیامدهای فراوانی داشته و یکی از آنها از یاد رفتن وقایع پرشمار و ریز و درشت دیگری است که در فوتبال ما روی می‌دهد.

قبول داریم که واقعاً هیچ چیز به لحاظ خیرسازی و مهم بودن یا رویداد مذکور برابری نمی‌کند و واقعاً هم باید ابعاد مختلف آن را سنجید و کار را بررسی و سپس برای حل این مشکل عظیم و جلوگیری از تکرار آن تلاش کرد اما نکات و اتفاقات دیگری هم در فوتبال ما طی روزهای اخیر شکل گرفته که به لطف هنر (!) آبی‌ها از یادها رفته و ارزش و اهمیت خود را از دست داده است.

ایجاد قضیه فوق به حدی است که حتی کار کمیته انتقالی فدراسیون فوتبال (که خود محصول و زاییده اشتباهی از همان قبیل است) از یادها رفته و کمتر کسی می‌پرسد که اساسنامه جدید چه شد یا انتخابات تعیین رییس تازه فدراسیون دقیقاً کی انجام می‌شود یا مجمع عمومی فدراسیون (که مرتبط با همان قضیه انتخابات است) کی تشکیل می‌شود. اگر هم اسم صفایی فراهانی می‌آید نه به خاطر وظایف او در خصوص مسائل مذکور بلکه نقش و تأثیری است که می‌تواند در حل احتمالی مشکل آبی‌ها داشته باشد.

پرسپولیس که پس از یکی دو برد در لیگ دوباره ادعاهایی پیدا کرده بود، در اهواز طوری به استقلال این شهر باخت که حتی قرمزترین قرمزهای دنیا هم گفتند شانس آورده که فقط یک گل خورده است، منتها با این فرق که اگر در دفعات قبلی دنیزلی و انصاری فرد به خاطر هر شکست استنطاق می‌شدند این بار راحت از زیر فشار آن رهایی یافتند چون

کسی کاری هم به کار پاس سبز و سفید پوش ندارد. تیمی که برای خود یلی بود، حالا در جام حذفی در خانه اش ۴ گل می‌خورد و در لیگ تا رده نهم جدول سقوط کرده (این تیم تا یکی دو هفته پیش یازدهم بود) ولی هیچکس نمی‌پرسد که دلایل این همه ضعف چیست.

این نیز از یاد رفته که تیم‌های شیرازی امسال ضعیف‌تر از اکثر ادوار قبلی لیگ عمل کرده و رده‌های پایین‌تر از یازدهم جدول لیگ را اشغال کرده‌اند و ملوان که با کلی امید دوباره به محمد احمدزاده روی آورده بود، با یک تکان اضافی به دسته‌ای پایین‌تر ارجاع خواهد شد و فولاد فقط پس از گذشت یک فصل و نیم از تک قهرمانی‌اش در لیگ کاندیدای اول سقوط است و تا این مقطع از فصل ۳ مربی متفاوت را به خود دیده است. وضعیت تیم امید هم (که دیروز با امارات بازی دوستانه داشت) مهم نیست و اینکه با کمترین تدارک به دیدار با استرالیا خواهد شتافت، تا حدی از نظرها دور مانده است. چه باک؟ استقلال هست تا به لطف عدم رعایت ساده‌ترین اصول کاری (ارسال به موقع اسامی و مدرک‌اش) تمامی آنها را نجات دهد و به موضوع اول فوتبال کشور بدل شود.

امارات یکی‌یکی دیپورت می‌شوند و اگر پای صحبت‌شان بنشینید هیچ کدام قبول نمی‌کنند که ایراد از خودشان بوده و زود موضوع را مثلاً به عناد مربی جدید تیم‌شان یا ظلم این و آن نسبت می‌دهند. آنها روی دست نمی‌مانند و بلافاصله جذب یکی از تیم‌های معمولاً نامدار لیگ (یا باشگاه‌های سابق خود) می‌شوند اما کیفیت و کلاس گذشته را از خود بروز نمی‌دهند و باز گلی به گوشه جمال استقلال که به لطف کنار گذاشته شدن شوک‌آورش از لیگ قهرمانان آسیا، این فوتبال‌یست‌های دیپورتی را هم از کنکاش شدن بیشتر به دست مردم و رسانه‌ها نجات داده است.

استقلال بود تا به جای آنها زیر تیغ تیز انتقادات باشد. ابومسلم پس از ۳ برد متوالی در برابر سپاهان شکست خورد و خداداد عزیز مدعی شد که سطح این بازی از لیگ محلات هم پایین‌تر بوده، حال آنکه سپاهان گل قشنگی زد و خوب هم بازی کرد و ستاره سابق تیم ملی ایران که فقط ۳-۴ هفته‌ای است سرمربی ابومسلم شده اگر تیمش برنده آن بازی می‌شد قطعاً از سطح بالای این دیدار سخن می‌گفت اما پس از «وقایع آبی»، کسی با ابومسلمی‌ها هم کاری نداشته است.

این روزها بازیکنان مستقر در لیگ

قطر حریف نروزی تیم ملی؟!؛

فدراسیون فوتبال هنوز پاسخی به درخواست قطری‌ها نداده و قرار است سرمربی تیم ملی پس از ارایه برنامه‌های آماده‌سازی تیم ملی برای حضور در جام ملت‌ها نظرنهایی خود را در این زمینه اعلام کند.

تیم ملی فوتبال قطر در رقابت‌های مقدماتی جام ملت‌های آسیا در گروه B با تیم‌های ژاپن، امارات و ویتنام هم‌گروه است.

فدراسیون فوتبال قطر با ارسال نامه‌ای به فدراسیون فوتبال ایران خواستار برگزاری دیدار دوستانه مقابل تیم ملی فوتبال ایران شد. مسؤؤلان فدراسیون قطر در پیشنهاد خود به فدراسیون فوتبال کشورمان، روز ۲۴ مارچ (۴ فروردین سال ۸۶) را به عنوان روز انجام این مسابقه دوستانه اعلام کرده‌اند و خواستار برگزاری این دیدار در شهر دوحه شده‌اند.

استرالیایی‌ها دوشنبه می‌آیند

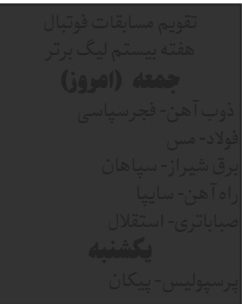
ایران راهی هتل لاله تهران محل اسکان خود خواهند شد. این تیم پیش از دیدار با تیم فوتبال امید ایران ۲ جلسه در کمپ تیم‌های ملی و ورزشگاه آزادی تمرین خواهد کرد. دیدار تیم‌های فوتبال امید ایران و استرالیا در چارچوب مسابقات مقدماتی المپیک چین روز چهارشنبه ۹ اسفند ماه در ورزشگاه آزادی برگزار خواهد شد. این دیدار را ۴ داور قطری قضاوت خواهند کرد

تیم فوتبال امید استرالیا به منظور انجام نخستین دیدار خود در مسابقات مقدماتی المپیک چین مقابل تیم امید کشورمان روز دوشنبه ۷ اسفند ماه از طریق دبی وارد ایران خواهد شد. اعضای تیم فوتبال استرالیا شامل ۳۰ بازیکن و همراه بامداد روز دوشنبه و پس از توقفی چند ساعته در کشور امارات وارد فرودگاه امام خمینی خواهند شد. اعضای فوتبال تیم استرالیا بلافاصله پس از ورود به

امیدواری‌ها استقلال بیشتر شد

استقلال از ناامیدی مطلق به ۵۰ درصد شانس بازگشت به زندگی برخوردار است و بعید نیست بن‌همام و نزدیکانش که در این رابطه اظهارات خوشبینانه‌ای داشته‌اند به یکباره کام را به آبی‌ها و آبی‌دوستان شیرین کنند.

تا دیروز هر خبری می‌رسید حاکی از ناامیدی و پایان کار برای استقلالی‌ها بود اما از دیروز و با انجام مذاکرات نمایندگان استقلال با مقامات AFC امیدواری‌ها به بازگشت استقلال به لیگ قهرمانان بسیار بیشتر از ۲۴ ساعت قبل شده و روزنه‌های امید دیده می‌شود. همین که AFC قبول کرده درباره این مسأله جلسه‌ای تشکیل دهد و تصمیم‌گیری در این باره را به نشست آتی که احتمالاً امروز و فردا برگزار می‌شود موکول کند جای امیدواری است. حالا می‌شود گفت



چای سبز GREEN TEA

امروزه به طور کلی پس از آب، چای دومین نوشیدنی است که توسط مردم در نقاط مختلف جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مورد چای معمولی بی‌گمان تا به حال مطالب گوناگونی شنیده‌اید که شاید هرگز به اندازه‌سالیان اخیر به خواص چای سبز توجه نشده باشد.

از هزاران سال قبل چای سبز در کشور چین مورد مصرف قرار می‌گرفته است. در طب سنتی این کشور موارد استفاده بسیار برای این نوشیدنی وجود داشته است. از درمان اختلالات عصبی و سردرد گرفته تا انواع اختلالات گوارشی. برخی از خواص منحصر به فرد چای سبز که تاکنون شناسایی شده‌اند عبارتند از:

- کاهش فشار خون: نوشیدن چای سبز از طریق کاهش ماده آزیوتانسنین II فشار خون را پایین می‌آورد.
- کاهش قند خون
- پیشگیری از برخی از انواع سرطان
- تقویت سیستم ایمنی بدن
- کاهش کلسترول خون
- خاصیت آنتی‌اکسیدان: چای سبز داران چهار نوع پلی فنول است که بطور کلی Catechins نامیده می‌شوند و دارای خاصیت قوی آنتی‌اکسیدان هستند، در نتیجه نوشیدن چای سبز موجب کاهش عفونت‌های ویروسی، تأخیر در روند پیری و جلوگیری از برخی بیماری‌های قلبی، عروقی و برخی از انواع سرطان‌ها می‌گردد.

هم‌اکنون تحقیقات گسترده‌ای در مراکز علمی در جریان است تا چگونگی نقش چای سبز در پیشگیری از این بیماری‌ها بیشتر مشخص گردد. بطور کلی چای سبز با توجه به خواص فوق و طعم مطبوع آن به سرعت محبوبیت زیادی در کشورهای مختلف کسب کرده است. تمام شواهد حاکی از آن است که مصرف متعادل این نوشیدنی می‌تواند علاوه بر آرامش روح و جسم موجب پیشگیری بسیاری از بیماری‌ها گردد.

www.sadaf.com

برگرفته از ژورنال پزشکی



چای سبز

محض اطلاع

گفته ها

محض اطلاع

شنیده ها

محض اطلاع

خواننده ها

۱- با مجله های چند دهه پیش
حضرت "نوح" شاعر معروف در پژواک شمال کالیفرنیا، خاطرات (نمی دانیم چندین و چند دهه عمرش را) به عنوان "یادمانده ها" می نویسد. خاطراتی از ۱۳۳۵ به بعد است، که آن زمان تازه مجلات خودی نشان می دادند و نشریات از وضعیت "شعار و مبارزه" مرده باد و زنده باد! بیرون آمده بودند. در میان مجلات "امید ایران" به مدیریت علی اکبر صفی پور بیشتر گل کرده بود که زحمت اولیه آن با معلم خوبان محمد عاصمی بود که با کمک "صفی پور" دوران اشعار تندو در پیش از ۲۸ مرداد نادیده گرفته شد و او امید ایران را سر و سامان داد تا بالاخره در اوائل دهه ۱۳۴۰ به آلمان رفت.

اما نصرت الله نوح در هر شماره پژواک ضمن شرح خاطرات، عکس هایی از آن زمان چاپ می کند و از جمله عکسی است که دست بر قضا از دوران سردبیری ناصر خدایار نویسنده و مترجم و روزنامه نگار توانای آن زمان است.

**۲- رقابت مجله های هفتگی**

زمان گرفتاری سیاسی دوستان کمی تمام شده بود. چاپ عقاید چپی و راستی که اغلب گرفتاری هایش به علی اکبر صفی پور می رسید که جریانات را روبراه کند. اما زمان سردبیری ناصر خدایار در واقع عرصه رقابت چهار نشریه اطلاعات هفتگی، روشنفکر، امید ایران و سپید و سیاه بود که هر کدام سعی می کردند اول تیمی آماده داشته باشند و هر هفته یک مطلب و یک برگ تازه زمین بزنند و صد البته مدیر امید ایران از این بابت قیبراق

راست نشسته و گویا لغزخوانی هم می کند عباس پهلوان است در سنین ۲۲، ۲۳ سالگی، شاید کمتر) که با این سن و سال دو صفحه پای صحبت مرشد را می نوشت و جماعت را "تصحیح" می فرمود و اغلب خوانندگان خیال می کردند که طرف چه سن و سالی دارد. آخرین نفر مهدی فشنکی حسابداری مجله و به واقع "آچار فرانسه" امید ایران بود که هر دردی را درمان و هر سختی را جوابگو بود. البته آثار نوح نوع، خلیل سلطانی و محمود کلاتری یعنی آثار پر درد سرشان در مجله امید ایران چاپ میشد آن هم در دهه پر تلاطم ۱۳۳۰ به بعد که به قول معروف کار حضرت فیل بود و هنوز سر بعضی ها بوی قرمه سبزی میداد.

نتیجه مسابقه!

یکی از همشهری ما پرسید: نتیجه مسابقه کشتی دیشب چی شد؟ جوابداد: مساوی تمام شد!

حاجات عمومی در حرم!

خانمی میروود حرم امام رضا و دید همه حاجتی دارند و داد می زنند و یک دفعه گفت: آقایون شلوغ دارند و حسین سرفراز شاعر و نویسنده مجله نیز سر بر سر سردبیر دارد و آن وسط (کسی که رک و

بعدش حامله شدم!
در بیمارستان!
دکتر بیمارستان نبض بیمار را گرفت و بعد رو کرد به پرستار و گفت: نمیدونم مریض مرده یا ساعت من خوابیده؟!
گرفتاری های ننه مرغ ها!
سه تا ننه مرغ راجح به جوجه مرغ هایشان درد دل می کردند. مرغ اولی گفت: اوا خاک عالم دیشب من توی کیف جوجه مرغم عکس یک جوجه خروس پیدا کردم! دومی گفت: این که چیزی نیست دیروز من دیدم جوجه مرغم با یک جوجه خروس توی

**در اسکاتلند**

- از زخم خیر ندارم، اما کار و صندوق دارم

شکستن!!

خیابون بگو وبخند دارند! مرغ سومی گفت: والله من چی بگم که دیشب توی کیف دخترم یک تخم مرغ پیدا کردم!

Bookkeeping - income Tax & Payroll Check Writing**خدمات حسابداری و مالیاتی**

حسابداری - حسابرسی - دفترداری

تکمیل فرم های مالیاتی برای ارسال به موقع به اداره مالیات

پامیریم مشائی تماس بگیرید

818-223-9015 exit 14

Schulz & Associates Inc.

چهره نما تقدیم می کند

۲۰ نواروی اچ اسی از فیلم های ایرانی

به اضافه یکدستگاه پلیر وی اچ اسی

های فای (ویدئو) باریموت کنترل

فقط ۶۹ دلار

تعداد محدود

۰۲۰۳ - ۵۰۱ (۸۱۸)

فقط یکشنبه ها

همه درلس آنجلس و ولی کباب پز هستند

تنها کبابی درلس آنجلس و ولی

که کباب های خود را بصورت سنتی

و بروی منقل ذغالی پخت می کند

۶۶۶۶-۳۴۲ (۸۱۸)

۶۸۴۶ رسیدا بلوار در شهر رسیدا

رستوران و نایت کلاب خانوادگی کازبا

فصل جدیدی را آغاز می کند

نایت کلاب خانوادگی کازبا محلی مناسب با شخصیت شما

باهرمدان محبوب شما، عقیلی - آلینا - شراره

آرتوش - بهرام فروهر - آرتورو همراه بارقص عربی

برای اطلاع از برنامه های هنری کازبا با شماره تلفن ۳۹۰۰ - ۷۵۸ - ۸۱۸

و برای رزرو جا می توانید با تلفن ۳۹۰۲ - ۷۵۸ - ۸۱۸ تماس حاصل بفرمائید

آدرس: ۱۹۵۴۰ ونتورا بلوار امین کوربین و تمپادار شهر تارزاناشاپنگ سنتر کاپری پلازا



در مراکز جنس جوانی دوباره را تجربه کنید

مراکز گردهمایی روزانه پدران و مادران همراه با ورزش یوگا، تفریحات سالم، موزیک و رقص

برنامه هنری و کنسرت صبحانه و ناهار گرم

کلیه خدمات برای افرادی که دارای بیمه "مدیکل" می باشند رایگان است

مراقبت های پزشکی و روانشناسی

زیر نظر متخصصین پارسی زبان

بامدیریت و صاحبان جدید ایرانی

Shir International
Majid Bangli & Son's Company

خدمات ساختمانی
ومدیریت آپارتمان یلدینگ

WWW.shir-international.com

آرایشگاه

علی

در ولی

۲۴۰۰ - ۳۴۴ (۸۱۸)

ASRE

EMROOZ
email: info@asree
mrooz.com

هیچ بستنی و پالوده ای، بستنی و پالوده گل و بلبل همیشه

آدرس: وست وود تلفن: ۲۱۳۱ - ۴۷۰۰ (۳۱۰) شعبه دوم ۱۱۶۲۸ ساتنامونیکا

